



خانواده مبلغان ۴

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال اول - شماره ۴ - شعبان المعظم ۱۴۴۴

■ زن، پستیانی، فرماندهی

■ فرزند بیشتر؛ عبادت کمتر؟!

■ تفاوت‌های من و همسر (۱)

■ راه یابی به نور در مسیر راهیان نور (۱)

■ نرجس خاتون؛ سرور زنان این جهان

■ راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان (۱)



مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

شعبان المعظم ۱۴۴۴ ق

۴

سربند یازهرا

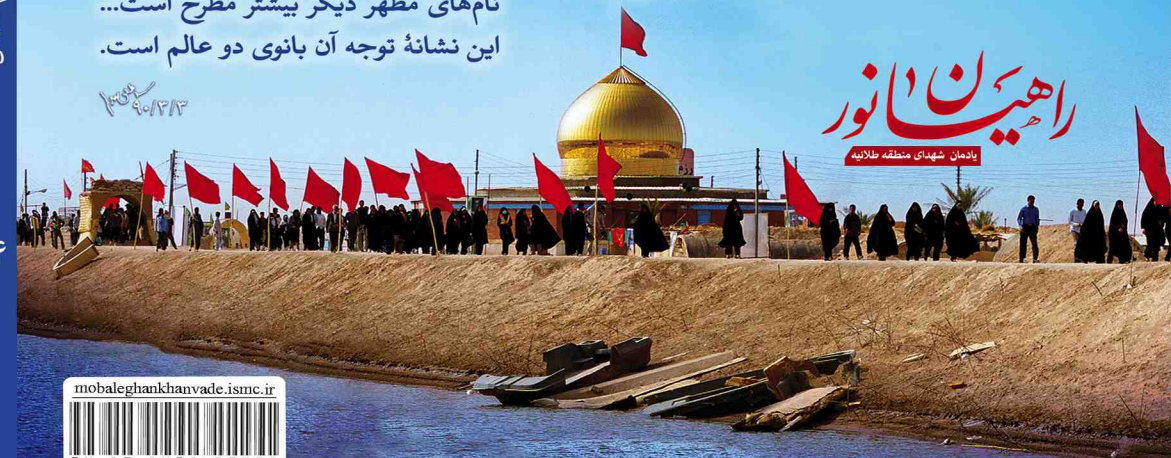
هیچ کس در دوران دفاع مقدس به رزمندگان نگفت که رمز «یا زهرا» برای حملاتتان بگذارید، یا سربند «یازهرا» ببندید اما در دوران دفاع مقدس، اسم مبارک حضرت زهرا علیها السلام و حضرت بقیة الله علیها السلام از همه نام‌های مطهر دیگر بیشتر مطرح است... این نشانه توجه آن بانوی دو عالم است.

۱۳۹۰/۱۳



راهپیمانیان نور

یادمان شهدای منطقه طلایه



mobaleghankhanvade.ismc.ir





ماهنامه اطلاع رسانی، علمی، آموزشی
سال اول - شماره ۴
شعبان ۱۴۴۴ قمری
اسفند ماه ۱۴۰۱ شمسی

خانواده مبلغان ۴

فهرست

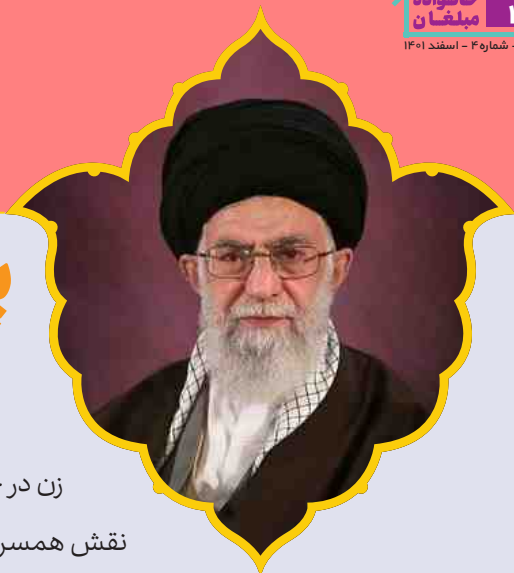
۲..... پیام فرمانده.....
 ۳..... زن، پشتیبانی، فرماندهی.....
دانش افزایی
 ۷..... امام بی گناهان؟!.....
 ۱۰..... نرجس خاتون سرور زنان این جهان.....
 ۱۴..... فرزند بیشتر؛ عبادت کمتر؟!.....
 ۱۹..... راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان ۱.....
 ۲۳..... احکام اسراف در غذا.....
 ۲۶..... در فضیلت دبه درآوردن.....
 ۳۰..... بسته ضرورته ۴ «مراقب هوای زندگی‌مون باشیم!» (۲).....
 ۳۶..... آسیب‌های فضای مجازیات را بشناس (روابط همسران ۲).....
 ۴۲..... دلدادگی آقا جواد.....
 ۴۵..... چی بخونیم؟ (برای وضعیت بهتر!).....
 ۴۸..... پسر کو ندارد نشان از پدر.....
 ۵۶..... کیک شکلاتی مشکلات.....
مهارت افزایی
 ۵۸..... عوامل زمینه‌ساز وفاداری در خانواده ۳.....
 ۶۳..... تفاوت‌های من و همسر من ۱.....
 ۶۷..... مشکلات تک‌فرزندی ۱.....
 ۷۳..... راه‌یابی به نور در مسیر راهیان نور ۱.....
بصیرت افزایی
 ۷۸..... زن، زندگی، آزادی.....
بامخاطبان
 ۸۴..... دل به گمند زلفت.....
 ۸۹..... خاطرات تبلیغی ۴ (مجموع مسکونی ما).....
 ۹۴..... می‌تونم بگی؟.....
 ۹۵..... برگزیده آثار رسالی از مخاطبین.....

شناخته

- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
- مدیرمسئول: محمود مقدمی
- سردبیر: جواد قراباگی
- هیئت تحریریه: حسین ملازوری، اصغراخوی، مهدی هادی، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، جواد قراباگی، محمد حامد مبینی راوندی، فروغ کاوری، هاجر شعبانی موسی کلایه، سیده منیر سیدتقیان، رضیه جبرئیل‌زاده، سمانه فرهادتوسکی.
- مدیر اجرایی: احمد اسماعیلی
- صفحه‌آرا و امور هنری: سیدمحسن حسینی

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی - پژوهشی، منتشر می‌شود.
۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.

نشانی: قم، زینبیل آباد، بیست متری فجر، خیابان دانش، مجتمع شهید صدوقی، فاز ۷، مرکز پژوهش‌های تبلیغی، دفتر ماهنامه خانواده مبلغان.
 صندوق پستی: ۳۷۱۳۱۶۶۴۷
 تلفن: ۰۲۵۳۳۱۳۲۵۶۴



پیام فرمانده

نقش همسری

زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ نقش همسری را نباید دست کم گرفت. ما اگر می‌خواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ و الا نمی‌شود. ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب، آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می‌آمدند خطبه‌ی عقدشان را می‌خواندم - آن وقت‌هایی که می‌خواندم؛ حالا که توفیق ندارم - می‌گفتم خیلی از خانم‌ها هستند که شوهرهایشان را اهل بهشت می‌کنند؛ خیلی خانم‌ها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم می‌کنند؛ دست آن‌هاست. البته مردها هم عیناً همین نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم بایستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است!

پی‌نوشت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰.


زن، پشتیبانی، فرماندهی

محمودمقدمی

خداوند متعال در قرآن کریم خبر داده است: هر کجا باشید خدا شما را گرد می‌آورد ﴿أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا﴾ شاید این گردهمایی پر جمعیت نباشد، فقط ۳۱۳ نفر، ولی مثل پاره‌های آهن^۱، حتی زنانشان، همان ۵۰ بانویی که در کنار دیگر یاران خاص حضرت می‌آیند، محکم و قدرتمند؛ هیچ قرار قبلی در کار نیست،^۲ کافی است خدا اراده کند تا همه آماده و استوار در کنار امامشان مستقر شوند. شاید در گذشته‌ها باورش مشکل بود که موجود ظریف و حساسی که **امام علی** علیه السلام او را ریحانه می‌خواند،^۴ در صف فرماندهان قد علم کند. نمی‌دانیم شاید در روز قیام قائم علیه السلام، گسترش جنگ نرم از جنگ سخت بیشتر باشد، شاید آن روز جنگ‌ها ترکیبی باشد، شاید لشگر علمی و فرهنگی در آن روز کارایی

بیشتری داشته باشد، شاید حضرت زنان را برای پشتیبانی فکری لازم داشته باشد، هرچه که هست، شیرزانی همراه امام علیه السلام خواهند بود؛ در صف فرماندهان ارشد، مثل مالک اشتر، مثل عمار ولی از جنس ریاحین.

آری امام زمان علیه السلام خواهد آمد با ۳۱۳ یار با وفا، چون پاره‌های آهن و زنانی از جنس نور، چه آنان که قبل از ظهور در پی تهیه‌ی مقدمات قیام و آماده کردن زمینه‌ی ظهور، شب و روز نمی‌شناسند و می‌مانند تا به محضر امام برسند و چه آنان که صدها و هزاران سال در دل خاک به انتظار رجعت بوده‌اند. وقتی «صیانه ماشطه» آرایشگر دختر فرعون^۵، «زبیده»، همسر هارون الرشید،^۶ «سمیه» مادر عمار یاسر و اولین زن شهید در اسلام^۷، «ام ایمن»، از زنان خدمتگزار پیامبر صلی الله علیه و آله و... برای یاری امام قائم علیه السلام رجعت می‌کنند چه عجب است اگر زنان بزرگ زمان ما هم جزو بانوان رجعت کننده



باشند. البته ممکن است برخی از زنان با ایمان به واسطه ریحانه بودن، قدرت حضور در میدان جنگ سخت را نداشته باشند، اما به فرموده امام باقر علیه السلام «هنگامی که جبرئیل به اسم قائم و نام پدرش ندا می‌دهد، زنان محجبه این ندا را در می‌یابند مشوق پدران، برادران، همسران، و فرزندان خویش برای شرکت در قیام خواهند بود»^۱ همانگونه که مادران و همسران شهدا در هشت سال جنگ تحمیلی عمل کردند و با دست خود لباس رزم بر تن مردانشان آراستند و از ایشان پشتیبانی کردند. همانگونه که امروز زنان قهرمان در خانواده‌های مبلغان با پشتیبانی و حمایت از مردانشان در خطوط مقدم جبهه‌ی جهاد تبیین ایستاده‌اند.

تحریریه‌ی ماهنامه خانواده مبلغان، به نمایندگی از همه همسران و فرزندان مبلغان به خدمت امام خویش، حضرت مهدی علیه السلام عرضه می‌دارد: «ای سید ما! ای مولای

ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام می‌دهیم؛ آنچه باید گفت، هم خواهیم گفت. ما جان ناقابل داریم، اندک آبرویی هم داریم که این را هم خود شما به ما داده‌اید؛ همه‌ی اینها را کف دست گرفته‌ایم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهیم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما.»^۱

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم

بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

به وقت صبح قیامت که سرز خاک برآرم

به گفت و گوی تو خیزم به جست و جوی تو باشم^۱

پی‌نوشت

۱. بقره/۱۴۸.
۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «رَجَالٌ كَانُوا قُلُوبُهُمْ زُتْرَ الْحَدِيدِ لَا يَشُوْبُهُا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ الْخَجَرِ». بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، ط بیروت، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۳. امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «به خدا سوگند سبید و اندی نفر می‌آیند که پنجاه تن ایشان زنند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه گرد آیند و این است معنای آیه شریفه «أَيُّنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.
۴. «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِجَاءُةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَاةٍ»؛ اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰.
۵. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران، ج ۵، ص ۱۵۳.
۶. تنقیح المقال، مامقانی، انتشارات مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم، ج ۳، ص ۷۸.
۷. اسدالغایبه، ابن اثیر جز، نشر اسماعیلیان، ج ۵، ص ۴۳۳.
۸. زنان در حکومت امام زمان علیه السلام، محمد جواد طبسی، ص ۲۹.
۹. امام باقر علیه السلام: «هنگامی که جبرئیل به اسم قائم و نام پدرش ندا می‌دهد، زنان محبجه این ندا را در می‌یابند و پدران و برادران خود را برای حضور در قیامت تشویق می‌نمایند.» بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱.
۱۰. برگرفته از خطبه رهبر معظم انقلاب علیه السلام در نماز جمعه، مورخ ۱۳۹۲/۳/۳۰.
۱۱. غزلیات سعدی، غزل ۴۰۳.



امام بی گناهان؟!!

رقیه حیدری آل کثیر - دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه - کارشناس مشاوره

از شیعیان هیچ قیدی مطرح نکرده‌اند. پس حتی شیعیان گناه کار هم از حمایت امام محروم نیستند. گناه، ظهور را به تأخیر می‌اندازد؛ اما شیعیان را از مراقبت‌های امام محروم نمی‌کند! همان‌گونه که در کلام **اهل بیت** علیهم‌السلام نیز آمده است: «**عَادَتْكُمْ** **الإِحْسَانُ** وَ **سَجَّيْتُكُمْ** **الكَرَمُ**».^۲ همچنین حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرماید:

گفت: می‌گویند گناه و معصیت گناه کاران یکی از موانع ظهور است. یعنی امام، فقط امام خوبان است؟ و ما به جرم گناه، از دیدن امام محروم هستیم؟! گفتیم: **حضرت ولی عصر** علیه‌السلام می‌فرماید: «من، آخرین وصی هستم و خداوند، به واسطه‌ی من بلا را از اهل و شیعیان من دور می‌سازد.»^۱ امام برای حمایت خودشان

▶ **باور توحیدی و ایمان به قول و عمل**
از نخستین شروط تحقق خانواده
مهدوی است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«اذا قامَ القائمُ لا يبقِ أرضَ الأُودِيّ فيها شَهادَةٌ
أَن لَّالهَ إِلاَّ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسولُ اللهِ صلى الله عليه وآله؛ زمانی
که حضرت قیام می‌کند، سرزمینی باقی
نمی‌ماند جز اینکه ندای (رسای) شهادتین
لااله الاالله، محمد رسول الله صلى الله عليه وآله از آن
بر خواهد خواست.» جامعه‌ی مهدوی،
جامعه‌ی حاکمیت کلمه‌ی توحید است.
اگر اهداف خانواده در مسیر ایمان به
توحید باشد، جهت‌گیری توحیدی آن
خانواده را در راستای تحقق ظهور خواهد
بود. عمل به واجبات و ترک محرمات شرط
مهم ایمان است و خانواده‌ها باید ثبات در
این امر را در خود نهادینه کنند.

▶ **امید** از دیگر شروط است.

انتظار و امید در روایات ملازم هم هستند.
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

«اگر شیعیان برای انجام وظایفشان
همدل می‌شدند، دیدارشان با من به
تأخیر نمی‌افتاد و علت این غیبت، کردار
آن‌هاست.»^۳

عصر غیبت، مهلتی است برای انسان‌ها
تا آمادگی و لیاقت حکومت مهدوی را پیدا
کنند؛ زیرا حضرت در هنگام ظهور احتیاج
به افرادی پاک و خالص دارند تا اهداف
حکومت توحیدی را پیاده کنند. طبیعتاً
گناهان که حرکت در خلاف مسیر توحید
هستند، می‌تواند سبب تأخیر در ظهور
حضرت و فراهم نشدن یکی از شرایط
اساسی ظهور باشد.

خوب است کمی درباره مهم‌ترین راه
آماده شدن برای ظهور حرف بزنیم. آماده
شدن جامعه، از کوچک‌ترین واحد آن
یعنی خانواده آغاز می‌شود. تا خانواده‌ها
مهدوی نشوند، جامعه مهدوی نمی‌شود
و این خانواده‌ی مهدوی با شروطی محقق
می‌شود. برخی از این شروط از این قرارند:

زمینه‌ساز ظهور است. چراکه تمرین اطاعت از امام عصر علیه السلام است. پدر و مادر بهترین الگوی این واجب مهم و الهی برای فرزندان‌شان هستند.

خانواده‌ی مهدوی نسبت به ظلم در هر نقطه‌ی دنیا، واکنش نشان می‌دهد و بی‌تفاوت نیست. زیرا آرمان عدالت جامعه مهدوی را در چشم‌انداز خود دارد.

این‌ها برخی از ویژگی‌های خانواده مهدوی برای مقدمه‌ی ظهور بود. شما چه ویژگی‌های دیگری برای خانواده مهدوی سراغ دارید؟

﴿انْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ﴾؛ انتظار فرج داشته باشید و از روح و رحمت الهی ناامید نشوید.

امید با جلوگیری از احساس پوچی و سستی و رکود، تقویت انگیزه و نشاط‌آفرینی آماده‌سازی برای ظهور را تسهیل می‌کند. افرادی که به ظهور اعتقاد دارند هیچ بن‌بست و توقفی را تصور نمی‌کنند و پایان روشن را حتمی می‌دانند. فرد ناامید نسبت به ظلم هیچ دغدغه و کنشی ندارند. اطاعت از نایب امام زمان علیه السلام نیز

پی‌نوشت

۱. قال مولانا الامام المهدي عليه السلام: «أنا خاتم الأوصياء، وبني تدفع الله عز وجل البلاء عن أهلي وشيعتي؛ من، خاتم اوصيايم. خداوند، به سبب من، بلا را از اهل و شیعیانم دفع می‌کند.»؛ الغيبة، شیخ طوسی، دارالمعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق، ص ۲۴۶، ج ۲۱۵.

۲. عادت شما نیکی کردن و خصلت شما بخشش است؛ فرازی از زیارت جامعه کبیره.

۳. قال الامام المهدي عليه السلام: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعِيهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا؛ اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را در راه پیروی از خود موفقشان دارد- دل‌هایشان در وفا به پیمانی که با ما دارند، یک‌پارچه بود، از فیض ملاقات ما محروم نشده و سعادت دیدار با معرفتشان با ما زودتر فراهم می‌شد، این دیدار به تأخیر نمی‌افتد، مگر برای اخبار ناخوش‌آیندی که از آنان به ما می‌رسد.»؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق، خراسان، محمد باقر، ج ۲، ص ۴۹۹، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

۴. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۵. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، دارالحديث، قم، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶.



وقتی سخن از مادران امامان معصوم علیهم السلام به میان می آید، اولین مسئله ای که به ذهن خطور می کند، ضرورت استقرار وجود نازنین امام در محیطی پاک و طیب و طاهر پیش از ولادت است! چه بسیار روایاتی که در توصیف این «**أرحام مطهرة**» نقل شده است.

یکی از این بانوان پاکدامن که عالم آفرینش به خود دیده، نرجس خاتون علیها السلام مادر گرامی امام عصر علیه السلام می باشد. نویسندگان بزرگی در طول تاریخ از این بانوی بزرگواری در کتب خود یاد کرده و از زندگی ایشان نوشته اند که ذکر آن خالی از لطف نیست.^۲

نرجس خاتون را بیشتر می توان از سخنان گران سنگ حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمه ی گرامی امام حسن عسگری علیه السلام، راوی اصلی ولادت امام زمان علیه السلام شناخت. بانو نرجس خاتون **نوهی قیصر روم** بودند که در حمله ی مسلمانان اسیر و به بغداد منتقل شدند.

بانویی **با عفت و پاکدامن** که به دستور مستقیم شخص **امام هادی علیه السلام** به عنوان کنیز خریداری شده و برای

ایشان بارها از ادب و تواضع این عروس
اهل بیت علیهم السلام تمجید کرده و در جایی
 نقل می‌کند: «فَجَاءَتْنِي نَرْجِسُ يَوْمًا مَخْلَعٌ
حُفِيٌّ وَ قَالَتْ يَا مَوْلَاتِي نَاوِلْنِي حُفَّكَ؛ روزی وارد
 منزل امام شدم، نرجس نزد من آمد و
 کفش‌هایم را درآورده، گفت: ای بانوی من
 کفش‌هایتان را به من دهید...»^۶
 صد البته که این همه خضوع و احترام و
 ادب بی جواب نبوده و متقابل محبتی
 بی‌شائبه دریافت می‌کردند.



چنان‌که در روایات آمده بانو حکیمه در پاسخ
 به نرجس خاتون می‌فرمود: «بَلْ أَتَيْتِ سَيِّدَتِي وَ
مَوْلَاتِي؛ بلکه شما بانو مولای من هستید.^۷

تعلیم فرائض دینی به حکیمه خاتون
 سپرده شد.^۳
 بیشتر تمجیدات حکیمه خاتون از
 کنیزش، نرگس خاتون مربوط به زمانی
 است که هنوز نمی‌دانست ایشان
 مادر امام است؛ و بی‌واهمه، از ارتباط
 قلبی‌اش با نرجس می‌گوید و از خلق
 نیکو و احترام و ادب و عاطفه‌اش.

روزگار بارداری نرجس خاتون بر همگان
 پوشیده بود تا شام ولادت حضرت
 حجت علیه السلام که امام حسن عسکری علیه السلام
 از ایشان خواستند تا نزد نرجس بماند و
 وی را در این امر خطیر یاری رساند.
 بانو حکیمه به امام عرض کرد:

«مَا فِي جَوَارِيكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهَا؛ در بین
 کنیزانت دوست داشتنی‌تر از نرجس
 برای من نیست.»^۴ و رو به بانو نرجس
 کرده و فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَكْرَمَكَ بِمَوْلُودٍ
تُؤَدِّيهِ فِي هَذِهِ اللَّيْلِ؛ خداوند تو را به
 وسیله‌ی مولودی که امشب به دنیا
 می‌آوری، گرامی داشت.»^۵

بَلْ أَعْدَمِكِ عَلَى بَصْرِي؛ بلکه با جان و دل به شما خدمت می‌کنم.^۸

چقدر زیباست ارتباط شیرین و احترام متقابل این عروس، با خانواده‌ی همسرش؛ ارتباط‌هایی که این روزها کمتر در زندگی‌ها دیده می‌شود و کم‌کم این محبت‌ها و احترام‌ها به دست فراموشی سپرده می‌شود. مگر نه اینکه تاج مادری امام عصر علیه السلام مهر تأییدی است بر سیرت و منش این بانوی بزرگوار!



کاش سیره‌ی ایشان و دیگر زنان شایسته اسلام کمی به فکر و ادراک ما را، که این همه ادعای دین‌داری داریم.

بانو حکیمه می‌گویند: «وقتی وارد خانه‌ی امام می‌شدم نرجس علیها السلام به استقبال می‌آمد دستانم را می‌بوسید و خود کفش‌هایم از پایم در می‌آورد.^۹ می‌فرمود: يَا عَمَّةُ، كَيْفَ أَنْتِ، أَنَا أَفْدِيكِ؛ ای عمه حالتان چطور است؟ من فدای شما شوم.

فَقُلْتُ هَذَا: بَلْ أَنَا أَفْدِيكِ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذَا الْعَالَمِ؛ حکیمه خاتون در جواب گفت: نه بلکه من فدای شما بشوم ای بانوی بانوان این دنیا.^{۱۰}

سَيِّدَةَ النِّسَاءِ هَذَا الْعَالَمِ؛ یعنی اگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سیده‌ی النساء العالمین و سرور زنان جهانیان است، نرجس خاتون نیز سرور زنان زمانه‌ی خویش است.

گذشت و ایثار این بانوی بزرگوار برای حفظ ولایت و امامت، الگویی بس بزرگ است، برای کسی که گوش شنوا داشته باشد و چشمی بینا.

از عطوفت و رأفتی که در کلام و عملشان موج می‌زند؛ تاگذشت و جان‌نثاری‌هایشان برای خاندان نبوت...

همانگونه که در تاریخ آمده جاسوسان دستگاه خلافت پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، برای یافتن امام دوازدهم مکرر به خانه ایشان هجوم آوردند. مادر امام برای منحرف کردن اذهان جاسوسان و رفع خطر از جان مبارک حضرتش، ادعای بارداری می کرد.^{۱۱} با اینکه می دانست خطرات زیادی به دنبال خواهد داشت. ایشان در پی این ادعا بازداشت و تحت نظر قرار می گرفت. حتی ممکن بود کشته شود. اما با شهامت برای حفظ جان امام خویش و در حمایت از ولایت تاپای جان ایستادگی می کرد.^{۱۲} تواضع و ادب، اخلاص در عمل، احترام و عاطفه، شجاعت و شهامت و... همه و همه جای بسی تفکر دارد خصوصاً برای ما که الگوی بسیاری از اقشار دیگر خواهیم بود؛ و کاش الگوئی چنین پاک و عفیف را سرلوحه زندگی مان سازیم و از آموزه های شان بهره گیریم.

پی نوشت

۱. اصول کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ج ۳، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۵۵۸؛ و کامل الزیارات، ابن قولویه، نشر مرتضوی، نجف، ج ۱، ۱۳۵۶، ص ۱۱۸.
۲. رک؛ پژوهشی نو در باره مادر امام زمان علیه السلام، ناهید طیبی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۲.
۳. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶، ص ۴۲۳-۴۱۷؛ الغیبه، شیخ طوسی، تحقیق عبادالله الطهرانی والشیخ علی احمد ناصح، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ج ۱، ۱۴۱۱، ص ۲۱۴-۲۰۹.
۴. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۴.
۵. الاحتجاج، طبرسی، تحقیق سید محمدباقر الخرسان، دارالنعمان، نجف، ص ۴۹۸.
۶. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۲، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۱.
۷. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱.
۸. همان.
۹. اثبات الوصیه، سید محمد جواد شبیری زنجانی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ص ۲۵۸.
۱۰. دلائل الامامة، [منسوب به] محمد بن جریر طبری، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البعثة، ج ۱، قم، ۱۴۱۳، ص ۴۹۷.
۱۱. کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ص ۴۷۶؛ دلائل الامامة، ص ۴۲۴.
۱۲. جهت اطلاع بیشتر رک؛ پژوهشی نو در باره مادر امام زمان علیه السلام، ناهید طیبی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ج ۱، ۱۳۹۲، ص ۲۴۳-۲۴۸.



زهرا استاد جلیلی - دانش آموخته سطح ۲ جامعه الزهراء

فرزند بیشتر؛ عبادت کمتر؟!!!

«پسرم امیرعلی به خاطر تنهایی اش و نداشتن هم بازی خیلی بی قراری می کنه! به نظرت چی کارکنم؟» گفتم: «براش هم بازی بیار!» مسأله ای را مطرح کرد که امروزه بعضی خانواده ها هم درگیرش هستند. گفتم: «من همیشه برای داشتن یک فرزند دیگر، وا همه دارم. چون می ترسم با داشتن چند فرزند، دیگه نتونم عبادت هایی را که تا به حال انجام می دادم را ادامه بدم، در نتیجه رابطه ی عاشقانه ام با خدا تحت تأثیر بچه قرار بگیره!» خیلی فرصت برای صحبت کردن با دوست قدیمی را

مشغول آشپزی بودم که صدای زنگ تلفن همراه بلند شد، شماره آشنا بود ولی نمی دونستم کیه؟ تا صداش رو شنیدم، شناختمش! زینب بود، دوست و هم کلاسی دوران دبیرستان! چند سال بود که ازش خبر نداشتم، پس از کلی صحبت و مرور خاطرات، گفتم:



داشتیم، گفتم: «راستی اون روز گفتی به خاطر اینکه بتونی خوب عبادت کنی، نمیخوای بچه بیاری؟!»
گفت: «آره حُب. می‌ترسم با داشتن چند فرزند، دیگه نتونم عبادت‌هایی را که تا حالا انجام می‌دادم را ادامه بدم!» من هم سینی چای را زمین گذاختم و دو زانو کنارش نشستم و گفتم: «دوست عزیز اصلاً معنای حقیقی عبادت را می‌دونی؟ گاهی اوقات تعریف ما از عبادت به قدری تنگ میشه که جز همین نماز و روزه و ذکرهایی که به آن عادت کردیم، چیزی در اون جا نمی‌شه. اگر عطش عبادت در ما واقعی باشه و از روی معرفت عبادت کنیم تنها و تنها باید به چیزی فکر کنیم که خدا به اون راضیه، حقیقت عبادت نماز خوردن و روزه گرفتن نیست. عبادت یعنی دست به سینه در برابر خدا ایستادن و به فرمان او چشم گفتن. گاهی میشه که نماز و روزه انسان رو از

نداشتم، چون صدای دخترم، ریحانه که از صبح به مدرسه رفته بود، اومد که هر وقت از مدرسه برمی‌گشت بلند می‌گفت: «سلام مامان، من گشتمه!» باید هم ناهار آماده می‌کردم، هم فاطمه و احمد را راهی مدرسه می‌کردم؛ باهوش قرار گذاختم تا یه روز بیاد خونمون تا مفصل باهم صحبت کنیم. قبل از اینکه روز موعود فرا برسد، با همسرم در مورد این موضوع صحبت کردم و مثل همیشه اطلاعات خوبی بهم داد، چند روزی هم کتاب‌های مختلفی مطالعه کردم تا بتونم پاسخ قانع کننده‌ای برای دوستم داشته باشم که از این فکر غلط، دست بردارد.



روز موعود فرارسید، پس از احوالپرسی و مرور شیفت‌هایی که در دوران دبیرستان

وای از وقتی که که عادت هایمان را

عبادت کنیم!

زینب با دقت داشت گوش می داد، من هم چون گوش شنوا پیدا کرده بودم، فرصت را غنیمت شمردم و ادامه دادم:

اصلاً می دونستی که محبت کردن به بچه ها خودش عبادت ه؟! بانگاهی به روایات میشه فهمید که محبت به کودکان تا چه اندازه در نزد خداوند مهربان ارزشمند ه!
امام صادق علیه السلام می فرماید:

«حضرت موسی بن عمران علیه السلام عرض کرد پروردگارا کدامیک از اعمال در نزد تو بافضیلت تر است؟ خداوند فرمود: محبت به کودکان زیرا فطرت آنان بر توحید من است و اگر آنها را بمیرانم با رحمتم وارد بهشت شان خواهم کرد.»
احساس می کردم با این حرف ها تونستم دوستم را قانع کنم که اشتباه فکر می کنه؛ من هم خوشحال بودم از اینکه در مسئولیتی که به عهده ام بود موفق شدم.

عبادت غافل می کنه! مثلاً فرض کن نوزاد وقت نماز، گریه کنه اما من نماز رو با مستحباتش بخونم و به گریه ی اون اعتنا نکنم! آیا می تونم دلخوش باشم که خدا به این شیوه از عبادت من راضیه؟!!



عبادت یعنی آن چه را که خدا به آن راضی هست، انجام بدهم. برخی به عبادت هاشون عادت کرده اند. یعنی بی آن که توجه داشته باشند که این عبادت خضوع در برابر معبود است، خود عبادت برایشان بت شده و به آن عادت کرده اند. عبادت وقتی به عادت تبدیل شد، ارزش خود را از دست می دهد.

سخنی با مادران:

اگر وقت گذاشتن برای فرزند را دور شدن از خدای دانیم باید یک بار دیگر تفکر خودمان را به معارف نورانی و آسمانی **اهل بیت** علیهم السلام عرضه کنیم تا به اشتباه تفکرمان پی ببریم. جهت آشنایی با دیدگاه ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به این مسئله، در ادامه برخی از روایات را ذکر می‌کنیم.

در روایتی آمده است: شخصی به نام

حسن بصری درباره‌ی فرزند می‌گفت:

بچه چیز بدی است اگر بماند انسان را

به سختی می‌اندازد و اگر بمیرد انسان را

منهدم می‌کند. این سخن به گوش **امام**

سجاد علیه السلام رسید ایشان فرمود: «به خدا

قسم دروغ می‌گویند فرزند چیز خوبی است.

اگر بماند دعایی آماده در حق والدین است

و اگر از دنیا برود، شفיעی برای والدین

است که پیش از آن‌ها رفته است.»^۴

پیامبر مهربانی‌ها صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در خطاب به مازنان

در کلام نورانی فرمودند:

چون می‌دونستم که زینب، خودش را مدیون امام و شهدای می‌دونه و چند سالی هم در تعطیلات نوروز با هم اردوی راهیان نور شرکت کرده بودیم؛ گفتم: تو خاطرات حضرت امام خمینی رضی الله عنه هم نقل شده که امام خمینی رضی الله عنه در پاسخ گله‌ی یکی از بستگان در مورد شیونت فرزندش می‌فرماید:

«من حاضر ثوابی را که تو از تحمل

شیونت فرزندت حسین می‌بری، با تمام

ثواب عبادات خود عوض کنم.»^۲ پس

فرزند نه تنها مانع عبادت نیست، بلکه

بچه‌داری و تربیت آن عبادت بوده و ثواب

دارد و حتی سبب معنویت و آمرزش پدر و

مادر هم خواهد بود.^۳

در پایان هم کتاب «مادرانه» (تأملی در

مقام مادری و اهمیت فرزندآوری) نوشته‌ی

محمد جواد نظافت یزدی که انتشارات

امام مهربان در سال ۱۴۰۰ چاپ کرده بود را

معرفی کردم تا مطالعه‌کنه.

«حضرت عیسی بن مریم بر قبری عبور کرد که صاحب آن عذاب می شد. سال آینده بر همان قبر گذشت اما دیگر صاحب آن عذاب نمی شود. عرض کرد خدایا! سال گذشته بر این قبر عبور کردم و صاحبش عذاب می شد، اما امسال که بر آن گذشتم صاحبش عزا نمی شد؟ خداوند به او وحی فرمود: فرزندی صالح داشت که او را نجات داد، راهی را آباد کرد و یتیمی را پناه داد و من او را به جهت کاری که فرزندش انجام داده بود بخشیدم.

رسول خدا ﷺ پس از نقل این داستان فرمود: میراثی که خداوند عزوجل از بنده‌ی مؤمن خویش می برد، فرزندی است که پس از او، بندگی خداوند کند.»^۶

«آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبستن است و شوهرش از او خشنود است، ثواب کسی دارد که روز را روزه بگیرد و شب برای عبادت خدا بپا خیزد و وقتی که وضع حمل کند، هر جرعه شیری که از سینه‌ی او درمی آید و هر دفعه که پستان او مکیده می شود، برای هر جرعه‌ی شیر و هر مکیده شدن پستان، ثوابی است و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار بماند، پاداش او مانند کسی است که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد.»^۵

گاهی انسان عبادت می کند و گاهی عابد پرورش می دهد. اولی در خودش خلاصه می شود و دومی تا قیامت امکان تداوم دارد. **رسول خدا ﷺ** فرمودند:

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۱۰۵.
۲. مهدی سیرت، سید محمدکاظم سجادی، نشر جمال، قم، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۳۸.
۳. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هرگاه فرزندان مریض شوند کفاره‌ی گناهان پدر و مادر خواهد بود». بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۷.
۴. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۲.
۵. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، نشر لؤلؤ و مرجان، ۱۳۸۵، ج ۵۳۴.
۶. الکافی، کلینی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳.



راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان ۱

فرهنگ‌سازی، برای رسیدن به این هدف را می‌توان در مرحله نهادینه‌سازی، گسترش و حفظ روشمند حجاب در خانواده مبلغان انجام داد که در سلسله این نوشتار به بیان راهکارهای این مهم پرداخته شده است که در این شماره، به بیان اولین راهکار می‌پردازیم:

اصلاح باور (حجاب، سلب آزادی زنان)

هویت زن جوان، برآیند تعامل هویت ذهنی او با هویت عینی جامعه است.

طرفداران حقوق بشر با مطرح کردن حقوق تساوی زن و مرد، ادعا می‌کنند که حجاب زن مسلمان؛ مانع آزادی اجتماعی وی است، در صورتی که حجاب اسلامی هیچ منافاتی با حضور و فعالیت اجتماعی زنان ندارد.

ماهیت اصلی پوشش در اسلام، باهدف جلوگیری از فساد و کاهش آسیب‌های اجتماعی است، لکن امروز نسل جدید را نمی‌توان با شیوه‌های قدیم نسبت به موضوعات قانع کرد. به همین جهت ابتدا باید ویژگی‌ها و نیازهای آنان را بشناسیم. دختران جوان به اقتضای زمان حاضر و تلاش‌های دشمنان در جهت فرهنگ‌سازی غلط در نهاد خانواده، تحت توجه و فشار بیشتری هستند که ممکن است منجر به تغییر نگرش، فکر و رفتارشان شود.

دختران جوان باتوجه به فرهنگ خانوادگی و محیط تربیتی و آموزشی امروزه طوری در جامعه ظاهر می‌شوند که مورد تأیید همسالان قرار بگیرند؛ حال ممکن است با فرض قرارگرفتن به‌عنوان همسر یا دختر در یک خانواده مبلّغ دین، با چالش‌ها و نگرش‌های متفاوت روبرو شوند. گاهی به علت ناآگاهی نسبت به فلسفه‌ی حجاب، پوشش خود را به طور کامل رعایت نمی‌کنند. این گروه اکثراً فکر می‌کنند که حجاب موجب سلب آزادی زنان می‌شود، در پاسخ می‌توان گفت: «فرق است بین زندانی کردن زن در خانه و موظف داشتن به این‌که وقتی می‌خواهد با مرد نامحرم روبه‌رو شود، پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن وجود ندارد. حجاب در اسلام وظیفه‌ای است که بر عهده زن نهاده شده تا در معاشرت و برخورد با مرد کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه؛ نه از ناحیه‌ی مرد بر زن تحمیل شده، و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش تعیین فرموده، محسوب شود.»^۱

اغلب زبان رفتار و زبان حال، بسیار مؤثرتر از زبان گفتار است، خصوصاً که امروزه جوانان تمام مسائل را زیر ذره‌بین انتقاد و موشکافی قرار داده و در اصول و بنیان‌های اعتقادی خود هیچ‌گونه تسامح و سهل‌انگاری را روا نمی‌دارند. پس اگر با ناهمخوانی و تضادی در گفتار و عمل یک فرد مذهبی روبه‌رو شوند، به دو صورت واکنش نشان می‌دهند: یکی آن‌که در اعتقاد خود سست شده (و این در صورتی است که زمینه اعتقادی محکمی نداشته باشند) و دیگر این‌که صدای خود را به اعتراض بلند کنند و طالب جریان یافتن قوانین مذهبی در کلیه شئون و امور باشند.^۴ از این‌رو توجه به رفتاری که در زندگی با همسر و فرزندان خود داریم نقش بسزایی در رفتار فرزندان از جمله حجاب دخترانمان دارد؛ پس تغییر و اصلاح باور افراد در مرحله اول نیاز به آموزش دارد.

اسلام زن را در خانه حبس نکرده است، بلکه می‌گوید هنگام معاشرت زن با مرد، به خاطر حفظ کرامت زن و مصلحت عمومی جامعه، زنان باید از پوشش عقلایی و اسلامی استفاده کنند تا نظام خانواده و اجتماع آسیب نبیند.^۲ برای همراهی همسران و دختران جوان در توجه به این امر مهم می‌توان از روش‌های عقلی و نقلی ذیل بهره‌مند شد:

۱. اصل آموزش را جدی بگیریم

در هدایت و رهبری نسل قدیم که به نسبت سطح فکری پایین‌تری داشت، به طرز خاص بیان و تبلیغ و یک‌جور کتاب‌هایی احتیاج داشتیم که امروزه آن طرز بیان و آن کتاب‌ها کارایی لازم را ندارند. از این‌رو لازم است در این قسمت‌ها اصلاح عمیقی به عمل آید. باید با منطق، زبان و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت.^۳

۲. باورپذیری تدریجی است

یک جوان شایسته؛ باید احساس تعهد و مسئولیت، پرهیزکاری، بصیرت و آگاهی داشته باشد.^۵ با ایجاد محدودیت نمی‌توان دختران را مجبور به رعایت پوشش اسلامی کرد؛ بلکه تحقق حفظ حجاب، نیازمند نهادینه‌کردن و باورمندی این اصل، با شناسایی مرزهای حیای زنان، شیوه‌های نوو مؤثر، اطلاعات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی با محوریت آیات قرآن خواهد بود که در چند مرحله به آن پرداخته شده است:

مرحله اول: آیه ۵۹ سوره احزاب، در این آیه خداوند از پیامبر ﷺ می‌خواهد که به همسران و دختران خود و نیز زنان مؤمن بگوید که پوشش (جلباب) داشته باشند تا بدین ترتیب از آزار و اذیت افراد ناسالم در امان بمانند.

مرحله دوم: آیات ۳ و ۳۱ سوره نور، در این

آیات بر لزوم پوشاندن سر و سینه‌ی زنان و نیز آشکار نکردن زینت و آرایش در نزد نامحرمان تأکید شده است.

مرحله سوم: آیه ۵۵ سوره احزاب، در این آیه نیز محارم و کسانی را که زنان می‌توانند در حضور آنان حجاب نداشته باشند، نام برده شده است.

این‌گونه گام به گام رفتن، می‌تواند به صورت تدریجی به باورپذیری اصل حجاب دختران جوان ختم شود؛ چراکه فلسفه حجاب، پاک‌سازی محیط برای مردان نیست؛ بلکه در جهت دفاع از دختران و زنان بوده و اصل منفعت، فایده و مصلحت حجاب، متوجه آن‌ها است.

ادامه دارد ...

پی‌نوشت

۱. مسئله‌ی حجاب، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۹۶، ص ۹۷.
۲. اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ص ۵۳۱.
۳. ده گفتار، مرتضی مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۸۵.
۴. روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، سید احمد احمدی، صغیر، اصفهان، ۱۳۹۳، ص ۶۲.
۵. حدیث شورانگیز جوانی در بیانات رهبر معظم انقلاب عنه؛ تربیت، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۵.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، ایرانی‌ها به اندازه ۱۰ کشور اروپایی مواد غذایی دور می‌ریزند. ضایعات مواد غذایی در ایران معادل ۳۵ میلیون تن است این در حالی است که در اتحادیه اروپا با ۲۷ کشور عضو، تنها ۹۰ میلیون تن مواد غذایی راهی زباله‌ها می‌شود!



احکام اسراف در غذا

مرضیه پایاخان

دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء



؟ حکم مواد غذایی دورریز در موارد زیر چیست؟

۱ دور ریختن غذای اضافی که دست نخورده است.

۲ دور ریختن باقیمانده‌ی غذای افراد، به علت رعایت موارد بهداشتی.

۳ دور ریختن باقیمانده‌ی غذای افراد، به نحوی که استفاده آن در موارد دیگر

امکان پذیر باشد (غذای طیور و حیوانات).

۴ دور ریختن کلیه وسایل و مواد زائدی که استفاده مجدد آن‌ها در مورد دیگر

امکان پذیر باشد؛ مانند کاغذهای پشت سفید و مواد پلاستیکی.

👉 مقام معظم رهبری:

به طور کلی زیاده‌روی به نحو غیرمتعارف اسراف محسوب می‌شود و جایز نیست؛ و تشخیص موضوع با خود مکلف است.^۲



👉 آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی:

دور ریختن غذاهای دست نخورده جایز نیست و غذاهای دست خورده را باید به مصرف حیوانات پرنده‌گان و امثال آن‌ها رساند و از کاغذهای باطله‌ی قابل استفاده و امثال آن نیز باید استفاده کرد و دور ریختن آن‌ها شرعاً اشکال دارد.^۳

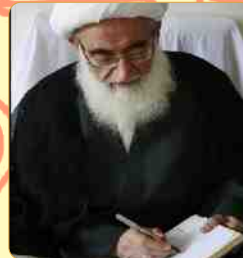


👉 آیت‌الله العظمی نوری همدانی:

۱ و ۲) اگر قابل استفاده باشند جایز نیست.

۳) جایز نیست.

۴) جایز نیست.

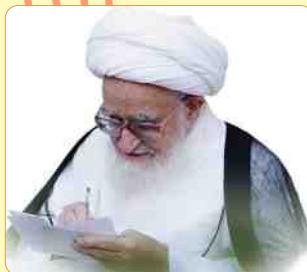


آیت‌الله العظمی صافی:

۱) دور ریختن غذا همیشه و در هر سال و زمان اسراف و حرام است.

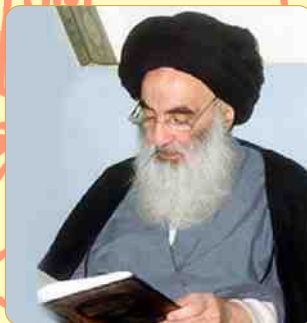
۲ و ۳ و ۴) اگر فقط به خاطر این است که کسی غذا را خورده و قدری از آن باقی مانده، دور ریختن آن اسراف

و حرام است و در روایت است که شوُر مؤمن، موجب شفاء است و متأسفانه در این زمان آن را موجب مرض و برخلاف بهداشت می‌دانند و اگر وجه بهداشتی صحیح داشته باشد، جایز و بلکه در بعضی موارد واجب است.^۵



آیت‌الله العظمی سیستانی:

اسراف و تبذیر در استفاده از نان و مواد غذایی جایز نیست و تزیین کردن تگه‌ها و خرده‌های نان، برنج و غذاهای دیگر در صورتی که به اندازه‌ای باشد که استفاده از آن عرفاً ممکن است - هر چند برای تغذیه حیوانات - جایز نیست.^۶



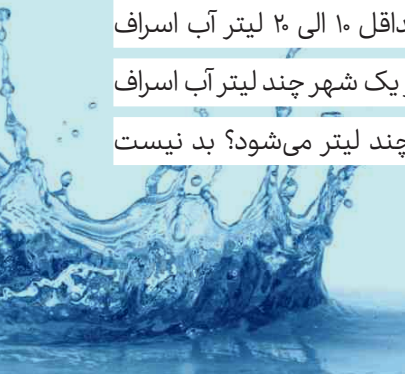
پی‌نوشت

۱. پایگاه اطلاع رسانی فارس نیوز، <https://www.farsnews.ir/news/1395072400097>
۲. استفتاء موجود در واحد پاسخگویی به سئوالات شرعی جامعه الزهراء (ع)، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/z99432>
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان.
۶. توضیح المسائل جامع، دفتر آیت الله سیستانی، چاپ سوم، خرداد ۱۴۰۱، مسئله ۱۴۲۴.

در فضیلت دبه در آوردن

محمدحسین قدیری - کارشناس ارشد روان‌شناسی

یادش بخیر، دانشجوی رشته‌ی راه و ساختمان بودم و تجربه نقشه‌کشی ساختمان داشتم. یکی از اصول نقشه‌کشی این است که توالت و حمام تا حد ممکن نزدیک هم باشند تا برای گرم کردن در مصرف آب صرفه‌جویی شده و اسراف نشود. متأسفانه افرادی که از ننه خودشان قهر می‌کنند، پا در کفش دیگران می‌کنند. گروهی از اینان هم در حرفه‌ی نقشه‌کشی وارد شده‌اند. اینان با اینکه محدودیت فضا ندارند، در ساختمان بین توالت و حمام، چندین کیلومتر فاصله قرار می‌دهند! اگر هر فرد در هر خانواده برای رسیدن به آب گرم، هرروز حداقل ۱۰ الی ۲۰ لیتر آب اسراف کند، حساب کنیم در یک شهر چند لیتر آب اسراف می‌شود؟ در کشور چند لیتر می‌شود؟ بد نیست



لوله پولیکایی در تراس طبقه اول گذاشته و آب‌ها را به باغچه پایین هدایت می‌کند. حاج‌خانم سفره‌اش همیشه پهن است. البته نه از روی تنبلی (لبخند) اینجا پهن بودن به معنی مهمان‌نواز بودن است. بعد از مهمانی‌ها اجازه نمی‌دهد میوه‌ها خراب شود، سریع برای نوه‌ها لواشک درست می‌کنند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «اسراف‌کنندگان از همیاران شیطان‌اند.» کسی که اسراف نمی‌کند خشم شیطان را برمی‌انگیزد و محبوبان حضرت حق هستند.

غسل سی‌ثانیه‌ای

آیت‌الله فاطمی نیا، روحشان شاد، باغصه و با نصیحت پدرانه به افراد وسواسی می‌گفتند: چقدر زحمت دارد استخراج آب! این آب مثل مروراید را باز نگذاریم. اگر مسابقه بگذاریم که اگر کسی سی‌ثانیه



در ایام سرد سال سطل یا دبه‌هایی کنار توالت قرار داده شود تا برای تنظیم آب گرم، آب اسراف نشود و داخل آن دبه ریخته شود. از این آب می‌توان برای سیفون و گل‌ها و... استفاده کنیم. بیاییم دبه درآوریم از انبارها؛ بنابراین دبه درآوردن همیشه هم‌کاربدی نیست. فلکه‌ی ورودی منزل خراب شده بود. قطره‌قطره آب می‌چکید! باورکردنی نبود که تا وقتی که آن را تعویض کردیم چندین دبه آب جمع شد! دبه دریاوریم تا شیطان که عاشق اسراف‌کار است حالش گرفته شود.

الگوی مادرزن ما!

پروفسور حسابی نیز اجازه نمی‌دادند آبی در آشپزخانه دور ریخته شود. از آن برای مصرف گل استفاده می‌کردند. مادر خانمم با الگوگیری از ایشان موقع شستن میوه و سبزی‌ها آب رادور نمی‌ریزد.



شویم. اصفهانیان خسیس نیستند بلکه مقتصدند. هزینه کردن آن‌ها برای زیارت و ساخت مساجد و حرم و ضریح ائمه زباند است و مشهور. معروف است که افراد رفتند نزد خواجه که برای ساختن پل خواجه از او کمک مادی بگیرند. وقتی رسیدند دیدند خواجه به شاگردش تذکر می‌دهد که وقتی شمع یا چراغ را روشن کردی نباید باقی مانده‌ی چوب کبریت را دور بیندازی. برای دفعه‌ی بعد استفاده کن. آن‌ها باهم گفتند آب از دست خواجه نمی‌چکد و به هم اشاره کردند: بروند. خواجه گفت: کاری دارید؟ گفتند: داشتیم، ولی وقتی دیدیم این‌طوری تذکر

زیر دوش ماند و جایی از بدنش خشک ماند به او جایزه هنگفتی می‌دهیم، کسی برنده نمی‌شود! برای غسل، سی ثانیه کافی است.

اصفهانیان مقتصد

بیاییم قولی به هم بدهیم: در زمین دشمن بازی نکنیم. جنگ نرم دشمن نم‌نم در زندگی می‌چکد. هشیار باشیم که وانگهی خیلی شود. به قومیت‌ها و شهرها برچسب نزنیم و جوک‌های تفرقه‌افکن را در کیسه‌زباله بریزیم. اگر اشتباهی از ما در این زمینه سر زد، مقداری از نهار خود را نخوریم تا جریمه





مراقب هوای زندگیمون باشیم! (۲)

سه ضروریۀ ۴

اکرم کاوری - دانش آموخته‌ی دوره طب ایرانی - اسلامی

؟ هوای اطراف مادر شهرها، هوای پاک و سالمی نیست و پراز سرب و مواد آلاینده دیگر

است. چه کنیم که انرژی‌های منفی هوای اطرافمان را از بین ببریم؟



وجود گلدان خاک، وجود گل‌های طبیعی با برگ‌های پهن، آب، شمع، آتش، آکواریوم، کبوتر، سنگ نمک و عود تا حد زیادی انرژی منفی محیط را گرفته و کیفیت اکسیژنی که تنفس می‌کنیم را بالا می‌برد. یکی از توصیه‌های مهم برای تقویت سیستم ایمنی بدن و همچنین دفع سموم حاصل از آلودگی هوا، حمام است!

کند، در این شرایط سیستم گوارش قدری ضعیف شده و اگر فرد غذای سنگین (پر حجم و غلیظ) مصرف کند، خوب آن را نمی‌تواند هضم کند و هم میزان خون ارسالی به ریه‌ها کاهش یافته و مشکلات تنفسی شخص زیاد می‌شود. نمونه‌هایی از غذاهای سبک شامل غذاهای گیاهی، خوراک سبزی‌های تازه، گیاهان پخته شده، آش، کدوسبز، زردک، لوبیا و خورشتهایی که گوشت قرمز ندارند استفاده کنند.^۲



در زمان آلودگی هوا توصیه می‌شود:

- ۱ بهترین تدبیر، محافظت فیزیکی است، در صورتی که مقدور است از شهرهای دارای هوای آلوده به مناطق دارای هوای سالم مهاجرت نمایید یا در مواقعی که آلودگی هوا در حد هشدار است از منزل خارج نشوید و یا در چنین مواقعی یک مسافرت چندروزه به یک نقطه خوش آب و هوا را در برنامه خود قرار دهید.
- ۲ در روزهای آلودگی هوا، از غذاهای سبک یا به اصطلاح غذاهای زودهضم استفاده کنید. به دلیل اینکه گردش خون باید بیشتر به سمت ریه برود تا نیاز بدن به اکسیژن را در هوای آلوده تأمین

سموم است. می‌توانید از جوشانده‌ی نعنا، اسطوخودوس، عرق بید و ساقه برگ ترب، سرکنگبین، عسل آب لیمو و ماء‌الشعیر طبی جهت دفع سموم استفاده کنید.



- ۴ از غذاهای غلیظ و دیرهضم پرهیز کنید و به جای آن سوپ و آش‌های پرسبزی حاوی کدو، هویج، جعفری، گشنیز، پیاز و سیر میل کنید.
- ۵ از روغن زیتون غافل نشوید که سموم و رسوبات را از کبد پاک‌سازی می‌کند. شب‌ها زود بخوابید تا کارایی کبد جهت دفع سموم بهتر شود.
- ۶ در روزهای آلوده نباید چیزهایی بخوریم که مواد ناسالم برای بدن



آیا می‌توانیم اثر سوء آلودگی هوا را بر روی

بدنمان کمتر کنیم؟

- ۱ اسپری گلاب در منزل، دود اسپند و کندر؛ جوشاندن آب و سرکه در فضای منزل به مدت ۲۰ دقیقه؛ قطعات پیاز و لیمو و کاسه‌های کوچک سرکه در محیط خانه، هوای خانه را پاک‌سازی می‌کند.
- ۲ آلودگی چه از طریق هوا و چه از طریق غذا وارد بدن شود، بهترین سم‌زدا سیب است. خوردن سیب ناشتا و مصرف آب سیب هنگام آلودگی تهاجمی و شدید، بسیار مؤثر است.
- ۳ خوردن آب ولرم مداوم در طول روز، ژداینده‌ی ارزان و همیشه در دسترس

به دفع ضرر آلودگی هوا کمک کند که به بعضی از آن‌ها در طب سنتی تریاق می‌گوییم که ضد سم عمل می‌کنند. مانند دارچین، کدو حلوائی، انار یا رب انار، سیب، فالوده سیب و آب سیب.

۸ در طب سنتی توصیه می‌شود که حتماً راه‌های خروجی بدن باید باز باشد. یکی از راه‌های خروجی ما سیستم گوارش ماست که در روزهای آلودگی هوا اهمیت این راه خروجی بیشتر می‌شود (نداشتن یبوست).



۹ باید سعی شود در روزهای آلوده از غذاهای سرخ‌کردنی و خشک مانند کوکوها پرهیز کنیم. همچنین

ما حساب می‌شوند و بدن ما را درگیر دفع مواد ناسالم می‌کنند، از جمله خوراکی‌های ناسالم شامل پفک، چیپس، روغن‌هایی که مکرر سرخ‌شده، گوشت‌های صنعتی، غذاهای کنسروی، غذاهای سنگین مانند ماکارونی و آش رشته.



۷ در روزهای آلوده، غذاهای ناسالم و سنگین باعث می‌شوند بدن ما یک مشغولیت دیگری جز هوا نیز پیدا کند. پس باید تلاش کنیم در حدی که می‌توانیم مواد غذایی ناسالم را کمتر در روزهای آلودگی هوا مصرف کنیم. در روزهای آلوده مواد غذایی را استفاده کنیم که

۲) راهکار دیگر اینکه در ظرفی یک لیتر آب همراه یک قاشق غذاخوری سرکه ریخته روی حرارت پائین گذاشته تا فقط بخار از آن خارج شود؛ این ترکیب اثر بسیار خوبی در تصفیه هوا خواهد داشت.^۶



۳) شستشوی بینی؛ یکی از کانال‌هایی که هوای مورد نیاز از آن عبور می‌کند بینی است. بینی هوای سرد زمستان را معتدل کرده و وارد شش‌ها می‌کند و هوای خشک و گرم تابستان را مرطوب می‌کند و هوای خارج که حاوی گردوغبار و احياناً میکروب است نیز، از فیلتر بینی که عبور کند صاف و تمیز

مصرف میوه‌های کال و نرسیده نیز باعث تشدید بیبوست فرد می‌شود.

۱۵) برای تقویت مغز در روزهای آلوده که مغز آسیب می‌بیند و منجر به خستگی‌های مزمن و سردرد می‌شود، بوییدن بوهای خوب مانند گلاب و عرقیجات خوشبو پیشنهاد می‌شود.^۴ و برای استریل کردن هوا؛ از دود اسپند یا گلاب هر ۸ ساعت استفاده شود.^۵



راهکارهای ساده طب سنتی در تصفیه‌ی هوا

۱) راهکار ساده‌تر برای پاک‌سازی هوای منزل این است که یک پیاز را قاچ کنید و شب در ۴ طرف اتاق بگذارید تا میکروب‌ها را به خود جذب کند.

می‌گردد (منظور موهای داخل بینی است) برای این جهت و فواید دیگر باید این کانال تمیز باشد. چون مغزی یکی از مصارف زیادش اکسیژن است و اکسیژن بخش مهم آن از هوایی که تنفس می‌شود تأمین شده است.



پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «استنشاق موجب افزایش حافظه و تنفر شیطان می‌گردد.»^۷ اسلام برای این استنشاق آب خنک را تجویز کرده است. وقتی که شما استنشاق می‌کنید و با بینی خود، آب را بالا می‌کشید، فوراً بر روی عصب سمپاتیک اثر کرده و به جهت آن سوزش و اشک چشم و سرخی چهره را در خود احساس می‌کنید، علاوه بر این موارد، سردردهایی که بر اثر هوای ناسالم و خستگی به وجود می‌آید را نیز، از بین می‌برد و این کاری است که يك نمازگزار اگر هرروز هنگام وضو گرفتن انجام دهد؛ از مبتلا شدن به امراضی چون سل و آسم و امراض ریوی و زکام، مصون گشته و تعادل عصبی حالت نشاط، تعادل و فرح در نهاد او ایجاد می‌شود.^۸

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حکیم روا زاده <https://ravazadeh.com>، کدمطلب: Dr98092401.
۲. مجله طب سنتی اسلام و ایران، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۹۱، ص ۴۱۷ و ۴۱۹.
۳. یک لیوان آبجوش ولرم شده، با یک قاشق عسل و یک قاشق آبلیموی طبیعی مخلوط شود.
۴. مقاله «راهکار متفاوت طب سنتی برای کاهش عوارض آلودگی هوا»؛ ناصر رضایی پور، خبرگزاری مهر، ۱۰ آذر ۹۸.
۵. مزاج‌شناسی و نسخه‌های استاد خیراندیش، گردآورنده جواد علی‌قلی پور، چاپ چهل و سوم، تابستان ۹۷، ص ۹۸.
۶. رک، مروی بر کلیات طب سنتی ایران، دکتر ناصری، دکتر رضایی زاده، دکتر چوپانی، دکتر انوشیروانی.
۷. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی بن بابویه، دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ق، ص ۳۵.
۸. رک، فواید طبی نماز، گودرز نجفی، سازمان آموزش و پرورش استان خراسان.

آسیب‌های فضای مجازی را بشناس

(روابط همسران ۲)

محمد کهوند

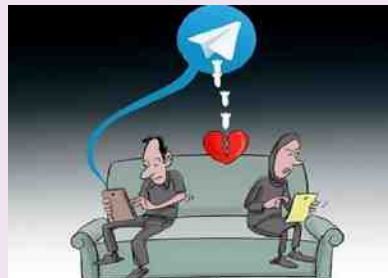
کارشناس رسانه و فضای مجازی



در شماره قبل، برخی از آسیب‌های فضای مجازی که روابط همسران را هدف گرفته‌اند، ذکر کردیم، در این شماره به بیان برخی دیگر از آسیب‌ها می‌پردازیم.



آسیب‌های فضای مجازی بر روابط همسران



۴- ناراضی‌تی از همسر

پژوهشگران نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر میزان نارضایتی زوجین از روابط زناشویی روبه‌افزایش بوده تا جایی که درصد قابل توجهی از طلاق‌ها نیز ریشه در همین نارضایتی دارد. از جمله اثرات مخرب سبک زندگی غربی، انحراف در روابط زناشویی و تغییر نگرش زوجین به این مسئله است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

① در صورت وجود ضعف در پیوندهای حقیقی بین زوجین و وجود مسائل حل نشده بین آن‌ها، ارتباط‌های مجازی می‌تواند جایگزین پیوندهای

از جمله پیامدهای دسترسی آسان به محتوای نامناسب در فضای مجازی فاسد در راستای سبک زندگی غربی که در کشور ما توسعه یافته، احساس نارضایتی همسران از یکدیگر است. بررسی‌ها و تحقیقات

گفت‌وگو بین زوجین، از ثبت خاطرات
مشترک و تعامل عاطفی و احساسی
مشترک بین زوجین می‌کاهد و این
مسئله به‌تنهایی، انزوا و افسردگی
زوجین می‌انجامد.



۴ ورود به روابط متقابل عاطفی با افراد
غریبه و تداوم و تعمیق تدریجی
صمیمیت‌ها، موجبات شکل‌گیری

حقیقی شده و در نهایت به ناپایداری
و قطع احتمالی رابطه بین زوجین
منجر شود.

۲ حضور افراطی هریک از زوجین در
فضای مجازی به‌ویژه در حضور
دیگری، با کاستن از فرصت توجه به
نیازهای عاطفی و روانی طرف مقابل
همراه بوده و به افزایش نارضایتی و
تنش‌ها در خانواده دامن می‌زند.

۳ استفاده مدیریت نشده از شبکه‌های
اجتماعی مجازی با کاستن از فرصت

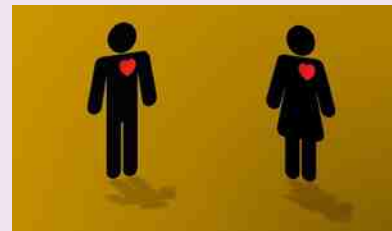


روابط نامشروع و گناه آلود بین افراد بیشتر آسیب‌هایی است که در روابط نامحرم را رقم می‌زند و تهدیدی جدی در برابر بنیاد خانواده است؛ در حالی که در بسیاری از مواقع خود افراد متوجه شکل‌گیری چنین خیانتی نمی‌شوند.

عادی‌سازی ارتباطات غیراخلاقی در فضای مجازی به رواج بی‌وفایی و گسست در روابط همسران و شانه خالی کردن از مسئولیت در مقابل همسر منجر می‌شود.

بیشتر آسیب‌هایی است که در روابط زن و شوهر شکل می‌گیرد. متأسفانه ترویج و گسترش روابط آزاد بین زن و مرد به‌عنوان فرهنگ متمدن و متمدن در شبکه‌های اجتماعی خارجی، کاربر ایرانی حاضر در این بستر آلوده را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که همواره اخبار بهت‌آوری در رابطه با عمق فساد در جوامع غربی به گوش می‌رسد! به‌عنوان نمونه روزنامه آمریکایی دیلی میل گزارش می‌دهد،

وکیل ترامپ به ۱۰۰ زن حق‌السکوت داده تا آن‌ها ماجرای روابط خود با ترامپ را افشا نکنند!^۲ اینک در مجاورت بسیاری از مدارس آمریکایی، مهدکودک‌هایی وجود دارد تا دختران کم‌سن و سال فرزندان نامشروع خود را به این مهدها سپرده و به مدرسه بروند، تنها گوشه‌ای از این منجلاب را نشان می‌دهد. ۸۸ درصد مردان و ۸۹



۵- ارتباط با نامحرم

از بین رفتن حریم محرم و نامحرم از جمله معضلاتی است که شبکه‌های اجتماعی نقش تأثیرگذاری در آن داشته و گزاف نیست اگر بگوییم منشأ

که سخن گفته، هزار ماه در آتش حبس می‌شود و هر زنی که از مرد نامحرمی اطاعت کند تا نسبت به وی مرتکب گناهی شود یا مقدمات گناه را انجام دهد یا با او شوخی کند، گناه آن زن نیز برابر مرد خواهد بود.^۴



این روابط غیر مشروع^۵ از ارسال محتوا و کلیپ مذهبی در گروه شروع، با ارسال استیکر ادامه یافته و به حضور در صفحه خصوصی خاتمه می‌یابد که البته آغاز راه است؛ زیرا شیطان در آنجا حاضر شده و تا مبتلا کردن آنان به گناه دست‌بردار نیست. چنانکه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «لَا يَحْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا!»

درصد زنان آمریکایی از آزار و اذیت جنسی به‌عنوان «مهم‌ترین معضل اجتماعی جامعه آمریکا» نام برده‌اند.^۳ از جمله آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی که قبح ارتباط با نامحرم را شکسته، تشکیل گروه‌های مختلط مجازی است که توسط برخی، عنوان صلح‌رحم مجازی نیز می‌گیرد! چنین روابطی موجب شده زن و مرد نامحرمی که تا پیش‌ازین، از ارتباطات خارج از شرع به‌شدت پرهیز کنند، کاملاً عادی و بدون شرم و حیا در برابر یکدیگر نشستند و در حضور همسرانشان قهقهه سر دهند!



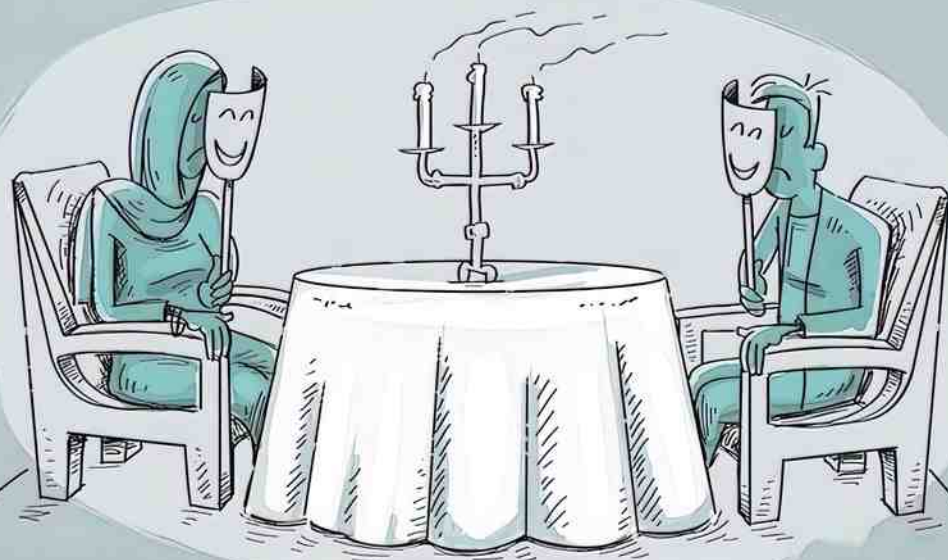
درحالی‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این رابطه می‌فرماید: «هر مردی که با زن نامحرمی شوخی کند، در ازای هر کلمه‌ای

هیچ مرد وزنی بایکدیگر خلوت نمی‌کنند مگر اینکه شیطان نفر سوم آن‌ها است.»

۶- طلاق عاطفی

یکی از مسائل اجتماعی مهم طلاق عاطفی است. طلاق عاطفی به این معنا است که زن و شوهر زیر یک سقف زندگی می‌کنند، اما در تنهایی، آرامش بیشتری دارند. کارها و تفریحات مشترک به شدت کم می‌شود و هر کس برنامه زندگی خود را پیش می‌برد انگار که تنها زندگی می‌کند و این نوع تنهایی عادت هر روزه می‌شود.

عدم تمایل به گفت‌وگو، بی‌توجهی به صحبت‌های فرد مقابل، بی‌حوصلگی در گوش دادن و حرف زدن یا سکوت در برابر صحبت‌های همسر یا تلاش برای پایان دادن به مکالمه یا عوض کردن موضوع مکالمه از دیگر علائم طلاق عاطفی است. گرچه این نوع از زندگی مسئله جدیدی نیست و در گذشته نیز وجود داشته است. اما تحقیقات و پژوهش‌های متعددی حکایت از ارتباط معکوس شبکه‌های اجتماعی با تحکیم روابط عاطفی خانواده دارد؛ چراکه



تهران انجام داده نشان می‌دهد، «نیمی از زنان متأهل در تهران طلاق عاطفی دارند و این مسئله ارتباط مستقیمی با فضای مجازی و اینترنت دارد». ^۷ یکی از قضات دادگاه خانواده می‌گوید: «تا چند سال پیش مهم‌ترین علت طلاق در خانواده‌های ایرانی، اعتیاد بود. اما در حال حاضر این موضوع به رتبه‌های پایین‌تر آمده است. این موضوع از زمانی که شبکه‌های اجتماعی به خانواده‌های ایرانی آمده، رخ داده است». ^۸

ادامه دارد...

شبکه‌های اجتماعی مجازی جایگزین ارتباط و تعامل بین زوجها شده است و زن و مرد ناخواسته درگیر ارتباط‌های پوچ، نادرست و فریبنده در شبکه‌های اجتماعی مجازی شده‌اند. هرچند آمار و ارقامی از میزان طلاق عاطفی وجود ندارد اما با توجه به تعداد بسیار زیاد طلاق رسمی و اینکه طلاق عاطفی مرحله قبل از طلاق رسمی است، وضعیت بغرنج رابطه عاطفی زوجین را نشان می‌دهد. تحقیقی که گروه مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

پی‌نوشت

۱. آمار ناراضی‌ت زوجه‌ها از روابط زناشویی (yjc.news).
۲. جایگاه زن در غرب، از تخیل تا واقعیت (kayhan.ir).
۳. همان.
۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه، دار الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۳-۲۸۴.
۵. منظور از رابطه غیر مشروع صرفاً روابط جنسی نیست. بلکه گفت‌وگویی که حدود شرعی در آن رعایت نشود نیز، رابطه نامشروع است.
۶. دعائم الإسلام، نعمان بن محمد مغربی ابن حیّون، محقق/ مصحح: آصف فیضی، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۱۴.
۷. مقاله پژوهشی «ارتباط اعتیاد به اینترنت با طلاق عاطفی در زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۵»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان دوره ۱۶، شهریور ۱۳۹۶.
۸. سبقت طلاق از ازدواج! فضای مجازی عامل فروپاشی زندگی حقیقی است (dana.ir).

دلدادگی آقا جواد

ظاهره میراحمدی چناروئیه - دانش آموخته سطح ۳ جامعه الزهراء

من دارم می رم خاک می خورم و بی خوابی می کشم، اون وقت ثوابش بوی گل بانومی دن! می دانست همسرش آنجا، گاهی حتی یک شبانه روز بیداری می کشد تا یک وقت به مهمان های شهدا بد نگذرد. با پشت دست، نم اشک نشسته در چشمانش را پاک کرد، تا مبدا تبدیل به قطره اشکی شود و دل آقا جواد را بلرزاند. نباید می فهمید در درونش طوفانی از دل تنگی و غصه به پاست.

دستان ظریف خود را به شانه ی قوی و ورزشکار آقا جواد کوبید و با خنده ی مخفی کارانه اش گفت: برو ببینم کمتر خودتو عزیزکن!

آن سال پیام آقا جواد به دوست و آشنا برای تبریک سال نو، بوی عجیبی می داد؛

آقا جواد مثل هرسال، قبل از عید، آماده می شد تا برای خدمت به زائران شهدا، به سرزمین راهیان نور برود.

در طول تمام آن سال ها، هیچ گاه مانع رفتن او نشده بود.

آقا جواد کوله پشتی سبک و راحتش را، روی دوشش انداخت. نگاهی به همسرش کرد و گفت: خوش به حال شما خانوما.

اما او نگاه شیطنت آمیز و پر مهر چشمان درشت آقا جواد را تاب نیاورد. نمی خواست

سرخي گونه ها و حرارت درونش، راز مگویش را فاش کند. سرش را پایین انداخت و گفت: خوبه خوبه! دست پیش می گیری تا پس نیفتی؟! تو داری می ری

پیش شهدانه من!

شوخ طبعی آقا جواد بیشتر گُل کرد و گفت:

همین آخرین قصه‌ی پدر برای کودک شد.

قهرمان زندگی فاطمه همان رقیه‌ای شد

که در ذهنش نقش بست.

خاک آن سرزمین که جواد محمدی به

خادمی‌اش افتخار می‌کرد، متبرک به جای

پای شهیدان است. همان‌ها که سند

شهادتش را امضاء کردند!

اگر نبودند کسانی که خدمت به شهدا

می‌کنند تا یادشان باقی بماند، اگر نبودند

همسران و فرزندان شهدا، که روایت

کننده‌ی حماسه‌ی عزیزانشان باشند،

مصدق این شعر می‌شدیم که:

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

این است حکایت دلدادگان حریم بانوی

دمشق. یکی مردانه پای دفاع از حرم

می‌ایستد و یکی زینب‌وار ایستادگی و

شهادت را روایت می‌کند.

امید است که بتوانیم از رهروان این راویان

حماسه‌ساز باشیم.

در پیام ارسالی تبریک آخرین عیدش

نوشته بود:

«دعا کنید شهید شوم.»

یکی از دوستانش در جواب این پیامک

گفته بود: «فکر شهادت را نکن!»

و او به سرعت پاسخ داده بود:

«فکرش را نمی‌کنم، آرزوی شهادت دارم.»

تکلیف که بر دفاع حرم تعیین شد،

جبهه‌اش را تغییر داد و هم‌داستان شد با

دوستانی که سال‌ها خدمتشان را کرده بود.



آن روزهای آخر قبل از رفتن به سوریه،

قصه‌ی حضرت رقیه رضی الله عنها را برای دخترش

فاطمه تعریف کرد. بعد برای او در مورد

سفرش گفت.





- نام شهید: شهید جواد محمدی
- تاریخ تولد: ۱۳۶۲/۰۵/۲۹
- محل تولد: درجه - اصفهان
- محل شهادت: حما - سوریه
- محل مزار شهید: اصفهان، درجه، گلزار شهدا.

نصیبم کرد، بنده از آن شهدایی هستم که
حتماً یقه بی حجاب‌ها را خواهم گرفت»^۲.

حواسمان به فصل الخطاب‌های

دامن‌گیر باشد.



پی‌نوشت

۱. روایت داستانی برگرفته از مصاحبه با خانم سلیمانی همسر شهید. <http://cheshmeborkhar.ir/130208>.
۲. شهیدی که یقه بی حجاب‌ها را خواهد گرفت. <https://b2n.ir/k94228>

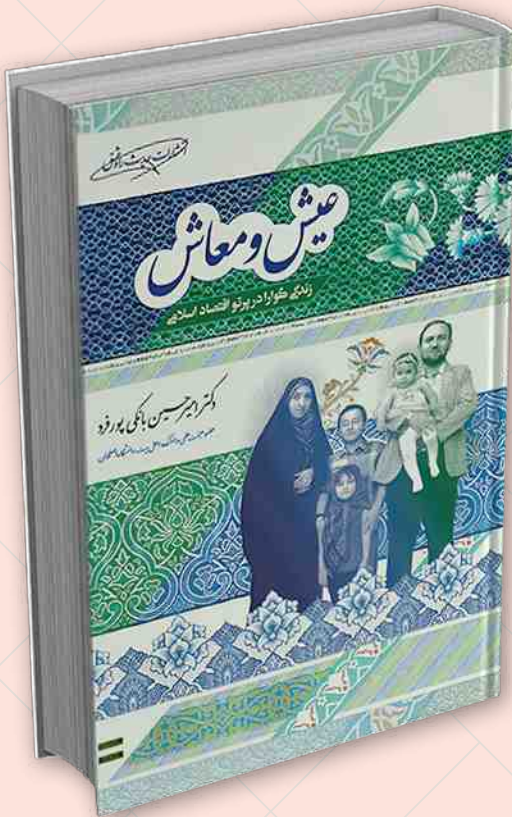
نفس‌های شهید جواد محمدی در «حما» سوریه، با اصابت گلوله به پا و پهلو به شماره افتاد. هم‌زمان با ۱۱ ماه مبارک رمضان به شهادت رسید و پیکر مطهرش بعد از گذشت ۲۵ روز چشم‌انتظاری، پیدا و به وطن بازگردانده شد.

بعد از شهادت جواد محمدی فیلمی از دوران زمینی بودنش پخش شد که می‌گفت: «اگر خدا لطف کرد و شهادت را

چی! خوننیم؟

ه. سیدتقی - دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ حوزه علمیه رشته فلسفه اسلامی و دکتری مدرّسی معارف

برای وضعیت بهتر!



دغدغه‌های اقتصادی همواره از مسائل مطرح در بسیاری از خانواده‌ها بوده است. اهمیت شناخت راه‌های تأمین درآمد خانواده به‌گونه‌ای که هم رضایت خداوند را در پی داشته باشد و خانواده نیز حمایت‌شده باشند، روشن است. در این راستا مؤلفان صاحب‌نظر با مراجعه به منابع اسلامی، موارد موردنیاز را استخراج نموده و در قالب کتاب به چاپ رسانیده‌اند؛ از آن جمله: کتاب **عیش و معاش (زندگی گوارا در پرتو اقتصاد اسلامی)** است که به قلم دکتر امیرحسین بانکی‌پور فرد تألیف و توسط انتشارات حدیث‌راه‌عشق به چاپ رسیده است.

محتوای کتاب:

این کتاب در ۳۵۲ صفحه به چاپ رسیده و در ده فصل تنظیم شده است؛ ابتدا به عوامل وسعت و برکت رزق (همچون حسن خلق، سحرخیزی، مشورت، رعایت عدالت و...) و همچنین عواملی که موجب محرومیت و فقر می شوند (تنبلی، بیکاری، اجیردیگران شدن و...) اشاره شده است. جایگاه اقتصاد در خانواده و تقسیم وظایف اقتصادی در فصل دوم، فرهنگ کار و اراده الگوی کامل کار اعم از کارهای فرهنگی، تولیدی، توزیعی و خدماتی نیز در فصل سوم مورد بررسی قرار گرفته اند. در ادامه فصل مربوط به تولید و درآمد شامل درآمدهای حلال و حرام و انحرافات اقتصادی و سپس مباحث مربوط به پس انداز و سرمایه گذاری آمده است.

«مصرف» عنوان فصل ششم است و به مهارت‌هایی از قبیل خرید کالا، سبد مصرف، معیار مصرف و راهکارهای تغییر

با توجه به اهمیت اقتصاد خانواده و نگاه اسلام به تأمین اقتصاد خانواده، نویسنده درصدد تبیین نگاه دقیق و واقع‌گرایانه اسلام به این مبحث است. در روایات اسلامی تعبیری شگفت همراه با نگرش قدسی و معنوی در خصوص هزینه‌های اقتصادی خانواده وجود دارد. از آن جمله: «دیناری را انفاق می‌کنی، دیناری برای آزادی بنده‌ای می‌دهی، دیناری را به مستمندی صدقه می‌دهی و دیناری را خرج خانواده‌ات می‌کنی. از این میان بزرگ‌ترین پاداش را آن دیناری دارد که خرج خانواده‌ات کرده‌ای.»^۱ وضعیت اقتصادی هم در شکل‌گیری خانواده و ازدواج نقش دارد و هم در برهم خوردن خانواده و طلاق. سبک زندگی اسلامی و تدبیر معیشت به نحو سالم هم برای تشکیل خانواده و هم برای استحکام روابط اعضای خانواده می‌تواند زندگی دنیا و آخرت فرد را تأمین کند.

نگرش و رفتار مصرفی غلط موردتوجه قرار گرفته است. در فصل هفتم نیز نکاتی در مورد مسکن بیان شده است. بعد از رعایت تمامی موارد، گاه در زندگی بحران‌های مالی گریبان‌گیر افراد می‌گردد. برای این امر، افراد باید آماده بوده و روش‌های مقابله با آن را بدانند. این مسئله در فصل هشتم با عنوان «بحران‌های مالی و روش‌های مقابله با آن» مطرح و بررسی شده است. در فصل نهم نیز به انفاق و توزیع ثروت اشاره شده و در نهایت ادعیه و اذکاری که رزق را وسعت می‌دهند حسن ختام کتاب هستند.



کتاب و مقالات دیگری نیز در این زمینه تدوین شده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به آن‌ها مطالعات کامل‌تر و دقیق‌تری داشته باشند.

- ▶ کتاب «معیشت خانواده اسلامی»، مائده شیروانیان، نشر هاجر، ۱۴۰۱.
- ▶ کتاب «معیشت و معنویت در اسلام»، رامین فرهودی، نشر اختر، ۱۳۹۶.
- ▶ مقاله‌ی «تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام»، قربان جمالی، فصلنامه‌ی مربیان بهار ۱۳۸۶ شماره ۲۳.
- ▶ مقاله‌ی «ارتباط سبک زندگی قرآنی با معیشت و اقتصاد خانواده»، مصطفی حلیمی جلودار و سید جواد مؤمنی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام، ۱۳۹۹.

پی‌نوشت

۱. کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۷، ح ۴۴۴.

پسرکوندارد نشان از پدر...

مرضیه ساجدی فر
دانش آموخته ی سطح ۳ کلام اسلامی

راضیه خانم که انگار بعد از این همه سال زندگی مشترک هنوز شیرین زبانی حاجی، قند در دلش آب می کرد رو به حاج محسن گفت: امروز از مسجد زودتر برگردید عصری یه سر تا منزل محمد آقا برویم.

اسم محمد انگار بند دل حاج محسن را پاره می کرد. حاج محسن توسلی بزرگ محله مسجد نو بود که سری در سرها داشت و کل راسته فرش فروش ها برایش تا کمر خم می شدند، انگار با شنیدن اسم این پسر دیگر تاب ایستادن را هم نداشت، نزدیک به ۴۰ سال بود که

حاج محسن دستی به محاسن بلند و سفیدش کشید و یا علی گویان از جا بلند شد. کنار شیرآب طلاایی رنگ و رو رفته ی کنار حوض نشست و آن را باز کرد و بسم الله گویان مشغول وضو شد. مسح پای چپ را که کشید دوباره شیرآب را باز کرد و دست هایش را شست و از جا بلند شد. راضیه خانم با حوله آبی رنگ حاجی، میان چارچوب رنگ پریده ایوان ایستاده بود و تماشا می کرد.

حاجی لبخند گرمی از روی قدردانی به صورت نورانی راضیه خانم هدیه کرد.

حدود ساعت چهار حاج محسن و راضیه خانم عزم منزل محمد آقا را کردند. منزل محمد فقط دو کوچه تا خانه حاجی فاصله داشت. این درخواست خود محمد آقا بود که خانواده‌اش در نبود او، نزدیک خانه‌ی پدر بزرگ‌ها ساکن باشند تا همسر و فرزندانش تنها نباشند. زنگ واحد ۴ به صدا درآمد صدای دورگه و پرانرژی سجاد از پشت آیفون شنیده شد: به به!! حاج آقا و حاج خانم، اجلال نزول فرمودید! خوش آمدید. حاجی همان طور که برایش ضعف می‌رفت گفت: حالا در را باز کن باباجان! تا بیایم بالا، بعد قربانی کن. حاجی یا الله گویان سلامی داد و وارد شد. هنوز کامل داخل نشده بودند که زهرا سادات به استقبالشان آمد. سلام و علیک گرمی کرد و دعوت به نشستن. سجاد و سمیه هم پشت سر مادر ایستاده بودند و منتظر ورود پدر بزرگ و مادر بزرگ به منزل بودند.

ریش سفیدی محله در هر مسئله و مشکلی که پیش می‌آمد بر عهده‌ی او بود اما هر بار با شنیدن اسم محمد دلش آتش می‌گرفت. حاجی با نگرانی رو به حاج خانم پرسید: خیره انشالله! زهرا سادات طوریش شده؟ بچه‌ها خوب؟ راضیه خانم با صدایی خش دار ادامه داد: خیره نگران نباشید آقا، فقط زودتر برگرد تا من هم بساط نهار را آماده کنم. حاجی لب گزید، می‌دانست حاج خانم اگر نخواهد حرفی را بزند محال است لب باز کند. سرش را پایین انداخت، خدا حافظی کوتاهی کرد و به سمت مسجد حرکت کرد. حاجی خیلی وقت بود که دیگر حجره نمی‌رفت. سعید پسر دوم حاج محسن جای پدر را در حجره گرفته بود و جلسات دوره‌ای انجمن خیریه تنها بهانه برای رفتن حاج محسن به بازار فروشش‌ها بود.

سجاد پستی همیشگی پدربزرگ و مادربزرگ را آورد و به تکیه‌گاه مبل ثابت کرد تا گودی کمرشان پر شده و اذیت نشوند. هنوز چند لحظه‌ای نگذشته بود که سمیه با یک سینی چای خوش‌رنگ به سالن پذیرایی وارد شد تا دورهم با آب‌نبات‌چی‌های پدربزرگ نوش جان کنند. سمیه از کوچکی عاشق آب‌نبات بود، حاج محسن هر وقت از گذر محله اربابی می‌گذشت برایش یک پاکت کاغذی آب‌نبات با طعم‌های مختلف می‌خرید. سمیه هلی می‌خورد و سجاد زنجبیل، درست مثل پدرش. سجاد با فنجان چای جلوی پای مادربزرگ روی زمین نشست و شوخ‌وشنگ گرم صحبت شد. چقدر حاجی این چهره را دوست داشت حتی خندیدنش هم شبیه باباش بود. از وقتی محمد شهید شده بود تمام دل‌خوشی پیرزن و پیرمرد این خانه بود. به‌غیراز پنج‌شنبه‌ها که برای زیارت محمد به بهشت رضوان می‌رفتند هرروز باید از بچه‌ها سراغی می‌گرفتند. حاج محسن طاقت دوری از سجاد را نداشت. زهرا سادات مثل همیشه گرم و صمیمی احوال‌پرسی کرد سپس صورتش را به سمت حاج‌خانم چرخاند و گفت: عزیزجان



با مهربانی لب به سخن گشود: خوب زهرا خانم، بفرمایید بابا، امرتان چه بود؟ من در خدمتم.

زهرا سربه‌زیر انداخت. از این‌همه متانت و تواضع پدرشوهرش خجالت کشید. حاجی همیشه به او احترام زیادی می‌گذاشت. به بچه‌ها هم مدام تذکر می‌داد: باباجان، مادرتان از سلاله حضرت زهرا علیها السلام هستند. مبادا از برگ گل نازک‌تر به او چیزی بگویید. احترام سادات بر همه‌ی ما واجب است.

از وقتی محمدش رفته بود برای زهرا، پدر و مادر همسرش، بوی محمدرامی دادند و همین امر رشته‌ی محبت بینشان را قوی‌تر کرده بود. زهرا خوب می‌دانست که حاجی چقدر سجاد را دوست دارد و طاقت ذره‌ای دوری از او را ندارد. حاجی دیگر حالا شکننده‌تر از قبل شده بود و شاید خبر رفتن سجاد را حتی برای چند سال بر نمی‌تابید.

داروهاتون هنوز تمام نشده؟ به نظرم یکی دوتا قرص فشار بیشتر نداشته باشید. هنوز جمله‌اش تمام نشده بود که به سمت اتاق خواب رفت و کیف‌دستی‌اش را با خود بیرون آورد. دو بسته قرص از داخل کیف خارج کرد و به سمت راضیه خانم گرفت. حاج خانم روبه زهرا سادات گفت:

ماشالله زهرا سادات حتی تعداد قرص‌های من رو هم حفظی!!! خدا خیر بهت بده مادر، خوب عروسی هستی. زهرا سادات لبخندی زد و گونه حاج خانم را بوسید.

حاج محسن عروسش را که داشت برای آوردن میوه به آشپزخانه می‌رفت، صدا کرد تا بنشیند. این مهمانی نسبت به روزهای دیگر دلیل خاصی داشت که او نمی‌دانست و این سردرگمی کلافه‌اش می‌کرد.

فضا کمی رنگ جدی به خود گرفت. حالا دیگر سجاد هم ساکت شده بود. حاجی

زهرا سادات سربلند کرد و بانگه
ملتمسانه اش از حاج خانم کمک خواست.
حاج خانم دستان سجاد را در دست گرفت
و روبه حاج محسن گفت:
حاجی الحمدلله آقا سجاد دیگه بزرگ شده
و باید برای آینده اش برنامه ریزی کنه.
حاجی که از حرف های این دو زن کمی
دلواپس شده بود، متعجب پرسید:
خوب این که خوبه! من و من کردن لازم
نداره، بسم الله.

سجاد با نگاهی از مادر و مادر بزرگ اجازه
خواست و لب گشود:
باباجان! واقعیت این که من تصمیم دارم
برای ادامه تحصیل به حوزه بروم.
حاجی گل از گلش شکفت و با لبخند
گفت: خیره انشالله بابا، خیلی خوبه
این جواری روح پدرت هم راضی خواهد بود.
سجاد کمی مضطرب ادامه داد، برای
درس خواندن در حوزه باید چند سالی
قم زندگی کنم.



اسم علی فایم المعصوم

فقط تفاوت امروز و دیروز این بود که حاجی دیگر توان دوری نداشت معلوم نبود چند سال دیگر قرار است در این دنیا زندگی کند. نمی‌خواست این آخر عمری دوباره دل‌تنگی قلب مریض خودش و راضیه خانم را آزرده کند. غرق در این فکرها بود که سمیه چای زعفرانی با آب‌نات هلی را به‌طرف پدربزرگ بالا گرفت و با صدای آرامی گفت: باباجان بفرمایید چایی. جرعه‌های چای را به‌سختی نوشید و از جایش بلند شد تا وضویی دوباره بگیرد. سجاد تلویزیون را روشن کرد تا کمی فضا تغییر کند. شبکه ملی مستندی از سخنان رهبری را پخش می‌کرد. سمیه صدای تلویزیون را کمی بیشتر کرد تا ببیند موضوع مستند چیست. مادر و عروس مشغول گفت‌وگو بودند از حرف‌هایشان پیدا بود آن‌ها هم نگران دوری از سجاد هستند. راضیه خانم

همه غرق سکوت شدند. حاجی یک لحظه احساس کرد گرگرفته، صورتش از هجوم‌رگ‌های خونی سرخ‌شده بود. این‌را چشم‌های نگران حاج‌خانم گواهی می‌داد. یعنی او دیگر نمی‌تواند هرروز قرص ماه محمد را در صورت سجاد به تماشا بنشیند. آن روزی که محمد برای اولین اعزام به جبهه اجازه می‌خواست این خود حاج محسن بود که راضیه خانم را آرام کرد و رضایت‌نامه به محمد ۱۸ ساله داد و حالا بعد از حدود ۲۰ سال دل‌تنگی، نوبت سجادش بود که جاپای پدر بگذارد و برای حضور در میدان رزم جنگ نرم آماده شود.



رسالت مهمی بود که پدر سجاد برایش خون داد و سجاد می‌رفت تا برایش عمر و جوانی بدهد.

حالا دیگر حاجی هم روی مبل نشسته بود و این زهرا سادات بود که باید ماجرا را تمام می‌کرد. با لبخندی دل‌نشین، مطمئن و آرام شروع کرد: آقا جون، عزیز، روزی که سجاد در مورد تصمیمش با من صحبت کرد. به خودم گفتم حالا که پدرش نیست باخدا در این باره مشورت می‌کنم تا قرآن را باز کردم. این آیه توجهم را جلب کرد:

﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...﴾^۱
زهرا سادات ادامه داد: چه بسا سجاد در زنده کردن جان آدم‌ها و صیقل دادن روحشان، بر پدرش هم پیشی بگیرد. سجاد برای برداشتن سلاح پدرش در میدان نبرد حق علیه باطل تحصیل در حوزه را مناسب دیده و برای موفقیت به اجازه و دعای شما نیاز دارد.

روبه زهرا سادات گفت: مادر، سجاد که هست ما دل خوشیم به اینکه خانه شما مرد دارد. اگر سجاد نباشد به تو از همه بیشتر سخت می‌گذرد.. از روزی که سجاد قد کشیده بود دیگر خیال زهرا راحت‌تر بود و حالا اگر می‌رفت جای خالی‌اش بیشتر از همه او را می‌آزرد. اما زهرا مرد این میدان بود.



او قسم خورده بود که سلاح محمد زمین نماند و حالا که میدان جنگ سخت جای خودش را به جنگ نرم داده بود. انتخاب سجاد یعنی برافراشتن پرچم بصیرت و آمادگی برای جهاد تبیین. هدایت افکار عمومی جامعه



همین موقع صدای سخنان رهبری از تلویزیون پخش می‌شد که فرمودند: «ما امروز در بین طلاب جوان، در بین فضیای جوان احتیاج به این روحیه داریم که بدانند عالم دین، یعنی وارد میدان جهاد شدن و این همان جهاد عظیمی است که امام خمینی رحمته الله علیه هم انجام داد. جهادی عظیم با نتایجی درخشان که در طول تاریخ شیعه نظیر ندارد.»^۲

حاج محسن سربه‌زیر داشت و همان‌طور که آرام وبی صدا قطرات اشک را از گوشه چشمانش می‌ریود زیر لب زمزمه می‌کرد:

پسرکو ندارد نشان از پدر...

پی‌نوشت

۱. مائده/۳۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳.

کیک شکلاتی مشکلات

مرتضی کاشانی نژاد
کارشناس روان‌شناسی

پسر کوچکی برای مادر بزرگش توضیح می‌داد که چگونه همه چیز
ایراد دارد؛ مدرسه، خانواده، دوستان و...
مادر بزرگ که مشغول پختن کیک بود، از پسر کوچولو
پرسید: «کیک دوست داری؟» و پسر کوچولو پاسخ داد:
«البته که دوست دارم.» مادر بزرگ ادامه داد:

روغن چطور؟

نه!

و حالا دو تا تخم مرغ؟

نه مادر بزرگ!

آرد چه؟ از آرد خوشت می‌آید؟ جوش شیرین چطور؟

نه مادر بزرگ! حالم از همه‌شان به هم می‌خورد.



بله همه این چیزها به تنهایی بدمزه به نظر می‌رسند، اما وقتی به درستی باهم مخلوط شوند، یک کیک خوشمزه درست می‌شود.

خداوند هم به همین ترتیب عمل می‌کند؛ خیلی از اوقات تعجب می‌کنیم که چرا خداوند باید بگذارد ما چنین دوران سختی را بگذرانیم، اما او می‌داند که وقتی همه این سختی‌ها را به درستی در کنار هم قرار دهد، نتیجه همیشه خوب است. ما تنها باید به او اعتماد کنیم. در نهایت، همه‌ی این پیشامدها باهم به یک نتیجه فوق‌العاده می‌رسند.

امام جواد علیه السلام

اعتماد به خدای

متعال بهای هر چیز

گران بها و نردبانی به

سوی بلندی‌هاست.

بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۴۶۳



عوامل زمینه‌ساز وفاداری در خانواده ۳

حسین وجدانی
دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه علمیه
مشاور خانواده

«معاشرت به معروف» یکی از عوامل مهم وفاداری در خانواده است که در شماره دوم ماهنامه به راهکارهای این امر همچون «خوش‌بینی»، «وقار» و «حسن خلق» اشاره شد. در این نوشتار به بیان راهکارهای دیگر برای «معاشرت به معروف» جهت تقویت تعهد در زندگی خانواده‌ها به خصوص خانواده طلاب و مبلغان می‌پردازیم.



به‌همدیگر هدیه بدهیم

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «هر کس به بازار برود، تحفه‌ای را خریداری کند و به خانواده‌اش هدیه کند، همانند کسی است که صدقه‌ای را به گروه نیازمندان رسانده باشد.»^۲ هدیه علاوه بر آن‌که کینه را از دل هدیه دهنده و هدیه گیرنده خارج می‌سازد، باعث ایجاد محبت و مودت میان آنان نیز می‌شود که از آثار اصلی آن وفاداری میان زوجین است. روایات متعددی از امامان معصوم علیهم‌السلام

هدیه دادن، از امور پسندیده‌ای است که آثار مثبت و ارزنده‌ای را در روابط انسانی بر جا می‌گذارد. این امر تأثیر ویژه‌ای نیز بر روابط همسران و ایجاد سازگاری و آرامش در میان آنان خواهد گذاشت. هدیه، تحفه و ارمغانی است که به رسم ابراز محبت و بزرگداشت برای کسی می‌فرستند.^۱ تقدیم تحفه و هدیه به اعضای خانواده، از جمله همسر، چنان اهمیتی دارد که

نیز در تأثیر این کار نقل شده است که می‌فرمایند: «هدیه دهید تا به یکدیگر محبت پیدا کنید.»^۳ در روایات دیگری نیز محبت نتیجه‌ی حتمی هدیه به شمار آمده است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «هدیه، جلب محبت می‌کند.»^۴ گویا اهل بیت علیهم السلام در این روایات شریف، بدون پرداختن به کمیت و مقدار هدیه، متذکر این نکته می‌شوند که ارزش مادی آن اهمیت چندانی ندارد؛ بلکه اصل هدیه دادن است که تأثیر بسیار مهمی در ایجاد صمیمیت و محبت خواهد داشت؛ بنابراین نباید

نگاهمان را به لوازم ارزشمند مادی معطوف سازیم، چراکه اولاً هدیه دادن را بر خود سخت کرده و ثانیاً تعداد آن را کاهش می‌دهیم. آنچه در هدیه مهم است، ابراز علاقه‌ای است که در پس آن نهفته و انسان تیزبین، پرده از روی هدیه به ظاهر کم‌ارزش کنار زده و محبت قلبی همسرش را مشاهده می‌کند. لازم نیست هدیه، یک سبد بزرگ گل یا یک لباس گران‌قیمت و امثال این‌ها باشد، بلکه اگر هدیه یک شاخه گل رز یا نرگس با یک کارت (دوستت دارم) روی آن، یک وسیله کوچک کاربردی برای منزل یا محل کار،





کتاب موردنیاز و یا حتی شیرینی و کیک خانگی موردعلاقه همسرمان باشد، باعث صمیمیت خاصی بین زوجین می‌گردد. همچنین پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هدیه را عامل عفت، تعهد و بازدارنده‌ی خیانت می‌دانند؛ «هدیه شوهر به همسرش، عفت را در وی می‌افزاید.»^۵

آراسته باشیم

نکته بسیار مهم این است که آراستگی تأثیر بالایی در سلامت شخصی و اجتماعی انسان به‌خصوص مبلمان امور دینی و خانواده آنان داشته و موجب دلپذیری، جلب نظر بیننده و اثرگذاری بیشتر در افراد می‌شود.

به گفته‌ی استاد مطهری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ؛ «گرایش انسان به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی و تناسب‌ها و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است.»^۶ آراسته و پاکیزه بودن زن در بین خانواده، هم به‌عنوان همسر و هم مادر می‌تواند موجب حفظ نشاط و سلامت و نوعی آموزش برای فرزندان هم باشد. البته این مسئله مختص بانوان نیست



می‌شوند. سپس فرمود: آیا تو دوست داری زن خود را به حالتی مثل خود که اصلاح را ترک کرده‌ای، ببینی؟ گفتم: نه، فرمود: او نیز همین‌طور است.^۱



حفظ عفت و پاک‌دامنی، یکی از عوامل استحکام و وفاداری در خانواده است. از خانواده‌ای که عفت و پاک‌دامنی در آن وجود ندارد، نباید انتظار تعهد و وفاداری داشت. پس لازم است با استفاده از ابزار آراستگی، سبب تقویت این پاک‌دامنی بشویم.

امام علی علیه السلام در حدیثی ضمن دستور به رعایت نظافت و آراستگی، به بیان تأثیر ظاهری و باطنی آن پرداخته و

بلکه همان‌گونه که مرد، دوست دارد زن او زیبا، پاکیزه، مرتب و منظم باشد، زن نیز این توقع را از مرد خود دارد و از حقوق او به شمار می‌آید که همسرش نظافت و آراستگی را رعایت کند. آراستگی مرد، رضایت از زندگی را در زن ایجاد می‌کند، بر عفت و پاک‌دامنی او می‌افزاید و او را از چشم داشتن به دیگر مردان حفظ می‌کند. در بررسی روایات آمده است که زنان بنی‌اسرائیل از عفت و پاک‌ی دست کشیدند و یکی از علت‌های اصلی این مسئله، عدم آراستگی شوهرانشان بود. سپس فرموده‌اند: زن هم از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد.^۲ همچنین یکی از اصحاب می‌گوید: «**امام کاظم علیه السلام** را دیدم که خضاب کرده بود. با تعجب پرسیدم: آیا خضاب کرده‌اید؟ حضرت پاسخ دادند: آری، اصلاح مرد، عفت زن را افزایش می‌دهد و زنان به سبب ترک اصلاح مردان به فسادکشیده

می‌فرمایند: «به‌درستی که خداوند از میان بندگان، بنده‌ای را که هر کس کنارش بنشیند، بینی خود را بگیرد، دوست ندارد.»^۹ روایت گویای آن است که، بی‌مبالاتی نسبت به آراستگی، سبب اذیت و آزار هم‌نشینان می‌شود که در این میان همسر یکی از هم‌نشینان همیشگی است؛ لذا گاهی لازم است در محیطی دوستانه و شرایط آرام با همسرمان نسبت به این مسائل صحبت کرده‌ و مصیمانه‌خواسته‌هایمان را مطرح و اگر مسئله‌آزاردهنده‌ای بین ما وجود دارد، تذکر دهیم. از اینجا روشن می‌شود که اهتمام اسلام به نظافت و آراستگی همسران، به دلیل تأثیر ظاهری و باطنی آن است و رعایت این اصل باعث پیوند هر چه بیشتر همسران به یکدیگر خواهد بود که لازم است خانواده طلاب و مبلغان بیش‌ازپیش در توجه به این امر تلاش کرده و با استفاده از فرصت‌ها و زمینه‌های موجود در امر تبلیغ، آن را به عموم جامعه نیز تذکر دهند.

پی‌نوشت

۱. لغت‌نامه دهخدا، علی‌اکبر دهخدا، ذیل کلمه هدیه
۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، آل‌البیت لاحیاء التراث قم ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۲۲۷
۳. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه تهران، ج ۵، ص ۱۴۴
۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، آل‌البیت لاحیاء التراث قم ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۲۰۷
۵. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۴۱
۶. فطرت، مرتضی مطهری، صدرا تهران، ص ۸۰
۷. بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی، ط بیروت، ج ۷۳، ص ۱۰۲
۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۶۷
۹. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۹۹



رضیه جبرئیل زاده

کارشناس ارشد مشاوره خانواده



وقتی تصمیم می‌گیریم که رانندگی کنیم، برای دریافت گواهی‌نامه‌ی رانندگی باید کلاس‌های تئوری و عملی را بگذرانیم. یا اگر بخواهیم خیاط شویم و پارچه‌ای را برش بزنیم، باید کلاس خیاطی رفته و مهارت لازم را کسب کنیم.

انتخاب شریک زندگی و ازدواج هم، از جمله مهم‌ترین انتخاب‌های زندگی هر فردی است و بی‌تردید هیچ زوجی بدون تلاش و کسب آگاهی، نمی‌تواند زندگی خوب و پراز آرامشی داشته باشد. زندگی زناشویی

زمانی لبریز از آرامش خواهد شد که زن و مرد از جنس یکدیگر شناخت پیدا کنند، باهم سازش کرده و با تمام مشکلاتی که جزء طبیعت زندگی زناشویی است، کنار بیایند تا زندگی آرامی را برای خود رقم بزنند. چنانچه قرآن کریم در مورد فلسفه ازدواج و تشکیل زندگی مشترک می‌فرماید: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^۱ از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید.



زوجین باید برای کسب آگاهی نسبت به این تفاوت‌ها تلاش کنند. چراکه اگر هرکدام از ما بخواهیم بدون کسب آگاهی و بر اساس ویژگی‌های جنسیتی خود، طرف مقابل را بسنجیم و واکنش نشان دهیم، قطعاً به یکدیگر ضربه خواهیم زد و وارد چالش‌های جدی خواهیم شد.

شناخت تفاوت‌های جنس مخالف، موجب رشد فردی بیشتر هریک از زوجین نسبت به دیگری در زندگی زناشویی نیز می‌شود. به‌عنوان مثال اگر از قابلیت‌های یک لپ‌تاپ آگاهی نداشته باشیم، ممکن است به‌عنوان زیرگلدانی از آن استفاده کنیم، گلدانمان را آب‌داده و لپ‌تاپ را بسوزانیم، درحالی‌که فردی دیگر که نسب به کار با آن آشنایی و



ولی وقتی بدون کسب آگاهی نسبت به طرف مقابل، زندگی را با فردی شروع می‌کنیم که جنس، رفتار، فرهنگ، تربیت و خیلی از صفات دیگرش با ما متفاوت است، در نتیجه وارد چالش‌های بزرگی خواهیم شد، چراکه هیچ آگاهی نسبت به همسر خود و رفتار درست و متناسب با او نداریم. برای تنظیم روابط زوجین و سازگاری زن و شوهر، باید توجه ویژه‌ای به تفاوت‌ساختار روانی و تفاوت‌در ویژگی‌های شخصیتی زن و مرد داشت.

سکوت باصحبت؟!

یکی از این تفاوت‌ها، تفاوت در نوع آرامش گرفتن است. زمانی که مردی از موضوعی ناراحت است، فقط با سکوت کردن آرام می‌شود، درحالی‌که زن با حرف زدن این آرامش را به دست می‌آورد. حال اگر هر کدام از آن‌ها این تفاوت را درک نکنند چه اتفاقی می‌افتد؟! تصور کنید آقا در محل کارش با همکاری جروبحتی داشته و فشار زیادی را تحمل کرده است، اکنون باحالی ناراحت به خانه می‌آید، زنی که نسبت به ویژگی شخصیتی مردها آگاهی ندارد دائماً از او می‌پرسد چه شده است؟ چرا حرف نمی‌زنی؟ من را محرم نمی‌دانی؟ و هزاران حرف دیگر که موجب تنش در ارتباط زوجین و بدتر شدن حال روحی مرد خواهد شد. اما زنی که به این تفاوت آگاهی دارد و بر اساس آن رفتار می‌کند، وقتی می‌بیند آقا از مسئله‌ای ناراحت است، دائماً از او سؤال نمی‌کند که چه شده است، بلکه

آگاهی دارد، می‌تواند به تمام دنیا وصل شده و بهترین استفاده را از آن داشته و کمترین آسیب را نیز به آن وارد کند. پس آگاهی راجع به هر چیزی، موجب بهره‌مندی هر چه بیشتر و آسیب کمتر به آن خواهد شد.



اگر زن و مرد جنس همدیگر را نشناسند، بیشترین آسیب و کمترین بهره را از همراهی باهم خواهند داشت. زوجین باید این واقعیت و تفاوت روان‌شناختی یکدیگر را بپذیرند و با رفتار خود به آن تعادل بخشند.^۲

از این روی جهت آشنایی خانواده‌ها با تفاوت‌های زن و مرد در ادامه به بیان یکی از آن‌ها می‌پردازیم:

اجازه می‌دهد تا در مرحله اول با سکوت اختیار کردن، کسب آرامش کرده و در زمان مناسب با گفتگو به حل مسئله می‌پردازد. در نقطه مقابل زمانی که زن از مسئله‌ای ناراحت است، مرد برای همسر خود شنونده خوبی می‌شود و بدون اینکه او را قضاوت کند و راهکار بدهد فقط به حرف‌هایش گوش می‌کند. زیرا می‌داند که همسرش با حرف زدن آرام شده و فقط گوش شنوا می‌خواهد و اگر در ادامه همسرش از او پاسخی خواست و یا در حل مسئله پیش آمده طلب کمک کرد، با او همدلی کند تا مشکل حل شود.

پس شناخت تفاوت‌های هر کدام از زوجین نسبت به یکدیگر در ایجاد رابطه صحیح و تقویت عشق و علاقه بین زوجین نیز کمک خواهد کرد و فرد به معنای واقعی

رشد هرچه بیشتر او می‌شود و به دلیل اینکه مورد رضای خداوند عمل کرده، ارتباطش با خداوند نیز تقویت خواهد شد و این شیوه زندگی، رشد معنوی زوجین را به دنبال خواهد داشت.^۳ همسری که فلسفه‌ی ازدواج را سکون و آرامش و وجود همسرش را عطیه‌ای الهی می‌داند و خدمت به همسر را عبادت تلقی می‌کند، هرگاه فعالیت‌ی انجام می‌دهد و در خدمت به همسر یا خانواده تلاشی می‌کند، از لذتی بهره‌مند می‌گردد که با سایر لذت‌های مادی قابل‌مقایسه نیست. این روایت که **پیامبر اکرم ﷺ** فرمودند: «یا علی یک ساعت خدمت کردن در خانه، از عبادت هزار ساله و هزار حج و هزار عمره بهتر است»،^۴ به خوبی گویای این مطلب است.

پی‌نوشت

۱. روم/۲۱.

۲. رک: نیازها و روابط زن و شوهر، محسن ماجراجو، نشر قدسیان، تهران ۱۳۹۷.

۳. رک: مردان مریخی زنان ونوسی، ترجمه مینا امیری، نشر نقش و نگار، تهران ۱۳۹۶.

۴. جامع الاخبار، تاج‌الدین محمد بن محمد بن حیدر شعیری، نشر حیدریه نجف اشرف، ص ۱۰۲.



مشکلات تک فرزندی ۱

کوثر بخشی جویباری

کارشناس روانشناسی و مشاوره



یکی از مشکلاتی که مبلغان و خانواده‌هایشان در طرح مسئله جمعیت و بیان اهمیت آن مواجه هستند؛ بهانه‌هایی است که از جانب مخاطبان مطرح می‌شود؛ مانند گرانی، دشواری رسیدگی و تربیت فرزند و...، یا اینکه ممکن است در پاسخ به طلاب و مبلغان بگویند که طلاب نفسشان از جای گرم بلند می‌شود! در حالی که خانواده‌ی محترم مبلغان در وضعیتی نیستند که آن‌ها را به خانه دعوت کرده یا وضعیت شهریه طلبگی را برایشان شرح دهند. از همین رو شاید بهتر باشد در مجالس رسمی یا خانگی و حتی مهمانی‌ها، به جای دعوت به فرزندآوری، از پیامدها و آسیب‌های تک‌فرزندی نیز صحبت کنیم. نوشتار حاضر به بیان مسأله‌ی توجه افراطی به فرزند که یکی از مشکلاتی

فرزند خود را از گروه هم سن و سال خود محروم می‌کنند. شاید کودک در مدرسه و بعضی از کلاس‌های آموزشی و ورزشی با همسالان خود در ارتباط باشد، اما این رابطه به‌طور دائم نیست و تمام توجه کودک تک‌فرزند، حتی هنگام بازی به سمت پدر و مادر است، والدین هم چون خلأ موجود را احساس می‌کنند، برای پر کردن آن، هرگونه تلاشی انجام داده و غالباً به بیشتر خواسته‌های غیرمنطقی و افراطی کودک خود تن می‌دهند و با این توجه بیش از اندازه به فرزند، باعث بروز بسیاری از مشکلات در زندگی حال و آینده او می‌گردند.

توجه افراطی بر دو نوع است:

الف: افراط مادی

انسان‌ها در زندگی خود نیازهایی دارند، که یکی از انواع نیازها، نیاز مادی است. این مورد شامل همه نیازهایی است که

است برخی خانواده‌ها، به‌ویژه خانواده‌های دارای یک فرزند با آن مواجه هستند می‌پردازیم؛ در ادامه راهکارهایی جهت رفع آن بیان می‌کنیم.



فرزند نیاز به توجه دارد

همه انسان‌ها برای تربیت کودک خود تلاش می‌کنند اما بدانیم کودک بسیاری از مسائل تربیتی خود را در گروه همسالان یاد می‌گیرد. در خانواده‌هایی که چند فرزند وجود دارد، این امر تربیتی ناخودآگاه در بسیاری از موارد صورت می‌پذیرد ولی والدینی که انتخاب می‌کنند فقط یک فرزند داشته باشند، در واقع

به همین جهت والدین موظفاند جلوی مصرف‌گرایی و افراط فرزندشان را گرفته و آن‌ها را به سمت اعتدال هدایت کنند. چراکه فرزند برای رشد و تکامل اجتماعی به این اعتدال نیاز دارد.



● راهکارهای رفع این مشکل:

۱) مشخص کردن حدود برای کودک

به‌طور مثال هنگام آشوب و دادوبیداد کودک برای خرید و یا به دست آوردن چیزی، ساده‌ترین راه برای والدین تسلیم شدن است. برداشت فرزندتان از این حرکت این است که پدر و مادر در مقابل من تسلیم شده‌اند، پس دفعه‌ی بعدی که آمدم فروشگاه، با همین روش یک اسباب‌بازی دیگر می‌خرم.

برای رفع آن باید هزینه پرداخت شود، مانند خوراک، پوشاک، اسباب‌بازی و گاهی این نیازها ضروری و گاهی غیرضروری است که افراط مادی فقط شامل نیازهای غیرضروری می‌شود. یعنی برای کودکمان چیزهایی که غیرضروری است را بیش‌ازحد تهیه کنیم. و هدف آن است که خود کودک به این نتیجه برسد که نیازهای غیرضروری را مطرح نکند.



مثلاً یکی از اهداف تبلیغات، معرفی کالا است و این معرفی معمولاً جذاب و همراه با بزرگنمایی است. تا جایی که افراد و به‌ویژه والدین، نسبت به تهیه آن کالا که ضرورتی هم ندارد، احساس نیاز کاذب کرده و مجاب به خرید آن می‌شوند.

بنابراین از کنترل کردن و مخالفت با فرزند هراس نداشته باشید و قبل از رفتن به فروشگاه حودمرزی را برای او مشخص کنید. معمولاً والدینی که یک فرزند دارند، به تقاضای کودکشان بیشتر بهاداده و در خیلی از مواقع حتی قبل از اینکه کودک نیاز و خواسته اش را به زبان بیاورد، آن را تأمین شده می‌بینند که این مسئله به ضرر اوست.

در خانواده غیرمنطقی است. معمولاً در خانواده‌های تک‌فرزند به خاطر تنهایی و نداشتن هم‌بازی برای کودک، بسیاری از این قوانین و تصمیمات نادیده گرفته می‌شود و حاکمیت در این خانواده‌ها معمولاً به دست کودک افتاده و او در آینده طبق همین عادت، در جامعه نیز از دیگران انتظار را داشته و چون در بسیاری از موارد به خواسته‌اش نمی‌رسد دچار مشکلات و اختلال در رفتار خواهد شد.



۲) خَلق احساس مسئولیت^۲

هر کودک می‌تواند طبق سن و شرایط خویش با عهده گرفتن مسئولیت‌های خاص و کوچک، عضو حقیقی از خانواده شود، به‌عنوان نمونه:

▶ بچه‌ی دوساله:

کمک کردن در آب دادن گل‌ها یا جمع کردن اسباب‌بازی؛

۲) برنامه‌ریزی از قبل^۲

محدوده‌ها و مرزهایی را در منزل مشخص کنیم و آن‌ها را به‌خوبی آموزش دهیم، سپس نسبت به تصمیم خود اصرار کرده و تصمیمات اخذشده حتماً عملی شود، گوش کردن به حرف بچه‌ها مهم است، ولی حکومت دادن به آن‌ها

دمدمی مزاج بودن انسان است. مهم است که احساسات و نیازهای کودک لحاظ شود، ولی والدین نباید قدرت تصمیم‌گیری را از دست دهند. به همین جهت باید قوانینی را تدوین کنند، تا کودک عواقب رفتار و کارهای خود را فهمیده و بدانند آن رفتارها چه اثری خواهد گذاشت. پس با دلیل و منطق «نه» بگوییم، تا فرزندانمان یاد بگیرد به افراد اطرافش احترام بگذارد، در شروع اعمال محدودیت‌ها ممکن است ارتباط خوبی برقرار نکرده و طوری رفتار کند که گویی از شما بیزار است، اما در باطن به شیوه درونی می‌فهمد که این مسئله به نفع اوست. البته بدهی است که این به معنی خشونت و بد رفتاری با کودک نیست.



سه تا چهار ساله:

چیدن یا جمع کردن سفره؛

پنج تا شش ساله:

آویزان کردن لباس‌ها؛



اصولاً در خانواده‌های تک‌فرزند نه تنها در بسیاری از موارد مسئولیتی به کودک داده نمی‌شود، بلکه والدین اغلب در جزئی‌ترین کارها هم به کودک کمک کرده و او در بیشتر موارد از پذیرفتن مسئولیت شانه خالی می‌کند که در آینده به خاطر همین ویژگی منفی در جامعه دچار سرخوردگی خواهد شد.

۴) آموزش مهارت «نه گفتن»^۲

یکی از بزرگ‌ترین قدرت انسان «نه» گفتن و یکی از موانع اصلی این مسئله،

معمولاً قدرت «نه» گفتن در خانواده‌های تک‌فرزند کمتر است. والدین در این خانواده‌ها یا محدودیت‌ها را برای فرزندشان مشخص نمی‌کنند یا اگر محدودیت و قواعدی را تدوین کنند اغلب با اصرار کودک آن را کنار گذاشته و به والدینی تبدیل می‌شوند که دمدمی‌مزاج هستند و این کاملاً به ضرر کودک و تربیت اوست چراکه انتظار «نه» شنیدن را ندارند.

۵) ایجاد محرومیت موقت^۵

ربرتو بنیگنی^۶ کارگردان ایتالیایی که

بخاطر فیلم (زندگی زیباست) برنده جایزه اسکار شد، در سخنرانی خود هنگام گرفتن جایزه اسکار، از والدین خود به خاطر فقری که به او هدیه داده شده بود، تشکر کرد. منظور او این بود که برخی محرومیت‌ها، به وی دیدگاهی داد که هیچ‌چیز دیگر نمی‌توانست باعث این نگرش شود. هدف این نیست که از فقر دفاع کنیم، ولی فرزندانمان حتی تک‌فرزندها باید گاهی طعم محرومیت، فقر و نداشتن را تجربه کنند.

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. ر.ک، کودک و حدودمزهایش، ترجمه: مینا اخباری آزاد، ناشر: صابرین، ۱۳۹۷، تهران.
۲. ر.ک، مدیریت و برنامه‌ریزی برای دوران اولیه کودکی: مجموعه ی نویسندگان فیلیس کلیک، مترجم: منصوره کریم زاده، ناشر: دانژه، ۱۳۹۷، تهران
۳. ر.ک، چگونه فرزندان مسئولیت‌پذیر پرورش دهیم؟، بیوک تاجری، افسانه درویشی، ناشر: انتشارات بهنام قلم، ۱۳۹۷، تهران
۴. ر.ک، مهارت «نه» گفتن برای کودک، محمدرضا غیوری، ناشر: یونگ، ۱۳۹۹، تهران
۵. ر.ک، مشکلات و پیامدهای تک‌فرزندی، نوذر نخعی، ناشر: فانوس، ۱۳۹۴، تهران
۶. روبرتو بنینی (به ایتالیایی Roberto Remigio Benigni) متولد ۲۷ اکتبر ۱۹۵۲) بازیگر، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان سینما و تئاتر و تلویزیون ایتالیایی است.

راه‌یابی به نور در مسیر راهیان نور ۱

محمدرضا نیکوکلام - دانش‌آموخته‌ی سطح ۲ حوزه علمیه

این تفاوت که این بار تجربه‌ی شیرین

و خاطره‌ی به‌یادماندنی نه‌تنها برای خود

بلکه برای دیگران رقم بزدم.

از قبل برنامه‌ریزی کردم تا در کاروانی

سیروسفر نمایم که بیشتر اعضای آن،

قشر خاکستری و به‌اصطلاح سوسول

و نسبتاً غیرمذهبی، که بعضاً به نیت

تفریح و تماشای دورهمی دوستانه به

سفر می‌آمدند؛ هم‌سفر شوم.

بخش اول: آغاز سفر خُشک اما تَر و تازه

سفری سیاحتی، زیارتی بود ابتدای کار باید

مشخص می‌کردی که تمایل داری تحت

چه عنوانی سفر کنی؟! خادم باشی یا زائر، با

کاروان بروی یا شخصی؟!

چون قبلاً تجربه‌ی جذاب و به‌یادماندنی

خدمی را داشتم و سال‌ها با نوجوانان

و جوانان گفتگو کردم، این بار تصمیم

گرفتم تجربه‌ی جدیدی را دنبال کنم با



۱

همان ابتدای کار روی ظاهر دقت کردم تا علی‌رغم طلبگی مرتب و هنری باشد، چون ظاهر متناسب با مخاطب، بسیار اهمیت دارد. (این اولین تکنیک در ارتباط با آن‌ها بود.)

۲

همین‌که سوار اتوبوس شدم عکس‌العمل‌ها شروع شد؛ با دیدن عمامه عده‌ای صلوات فرستادند و برخی شوخی‌های بانمک می‌کردند، من که علاقه‌ی وافری به این فضاها داشتم بیشتر همراهی می‌کردم و چون همه‌ی افراد هم‌جنس بودیم، با همه یکی دو جمله سلام و عرض ادبی داشتم، این شروع کار بود، با همان چند کلمه‌ی مختصر تقریباً برخی روحیات مشخص

این کار برای من تنها زیارت و سیاحت نبود، آزمون و خطایی از روش‌های تعامل و جذب افرادی که فاصله‌ای نسبی با دین داشتند و همچنین ارائه‌ی شیوه‌های مؤثر علاقه‌مند کردن آنان به دین بود.

نکته

به نظر می‌رسد دانستن این روش‌ها و انجام فعالیت‌های مشابه کمک بسیاری به راه‌یابی افراد به آموزه‌های مقدس اسلام و تبیین آرمان‌های انقلاب خواهد داشت. لذا درخواست می‌شود به این مباحث به‌صرف خواندن خاطره و داستان توجه نکنید، بلکه از شیوه‌های موفق آن در ارتباط با مخاطبان و هم‌سفران استفاده‌نمایید.

وقتی مشخص شد که با کاروانی از دانشجویان سال اول دانشگاه هنر، هم‌سفر شدم، خوش‌حال شدم، اما کار کمی دشوار به نظر می‌رسید.

۴

خلاصه آنکه حرکت آغاز شد، من بودم و گلی برنامه‌های تعاملی و مخاطبانی که باید ارتباط می‌گرفتم.

همان ابتدای مسیر در یک حرکت غافلگیرانه، جوان کناردستی گفت: «من که خیلی دوست نداشتم به این سفر پیام چون از این فضاهای خشک و مذهبی خوشم نیامد.» من هم با لبخندی گفتم: «نمی‌آمدی، مگر کسی مجبورت کرده بود، می‌رفتی کیش تا خشک نباشد و خیس می‌شدی!»

(این چهارمین قدم بود، سخن گفتن صریح، اما باشوخطبعی.)

می‌شد، بعضی صمیمی و گرم، برخی سرد و بی‌روح، عده‌ای طلبکارانه،.... خلاصه آنکه نمای کلی از شرایط افراد هم‌سفر در اختیار گرفتم. (شناخت روحیات مخاطبانم، دومین نکته بود.)

۳

چون هدفم از سفر مشخص بود بیشتر تمایل داشتم کنار افراد خاص‌تر بنشینم، موردم را انتخاب کردم، به کنارش رفتم، اجازه گرفتم: «عزیزم می‌تونم کنار شما بشینم؟»، سری به نشانه‌ی رضایت تکان داد که اشکالی ندارد. (این سومین قدم موفق بود، رفتار مؤدبانه با چاشنی محبت.)



۵

از پاسخم تعجب کرد، انتظار چنین جوابی را نداشتم، لبخند زد و گفت: «بچه‌های دانشگاه گفتن بیا بریم هم فال هم تماشا، دورهم خوش می‌گذره، منم اومدم.»؛ گفتم: «امیدوارم اون جوری که رفاقت می‌گفتن باشه و خوش بگذره.»؛ همان لحظه از کنارم بلند شد و به انتهای اتوبوس رفت تا با رفاقتش خوش باشن، اولش به ذهنم رسید که «مرغ از قفس پرید»، اما جای نگرانی نبود چون راه طولانی و فرصت بسیار بود، من هم انگار نه انگار، گوشه‌ی دست مشغول جواب دادن به پیام‌هایم شدم. (پنجمین نکته: گاهی بی‌تفاوتی به برخی افراد، خودش زمینه‌ی جذب را فراهم می‌کند.)

نشست، این بار من از جا بلند شدم و از او فاصله گرفتم و به سراغ مسئول کاروان رفتم، تا با او کمی صحبت کنم، البته غرض بی‌تفاوت نشان دادن به همسایه‌ی کنار دستی‌ام بود. پس از چند دقیقه برگشتم، بدون آنکه حرفی رد و بدل شود در کیف و ساک را باز کردم و یک خوراکی خوشمزه بیرون آوردم، نگاهش که افتاد، لبخندی همراه با شگفتی زد و گفت: «خوب هوای خودت را داری؟!»، گفتم: «نگران نباش هوای شما را هم دارم.» تعارفی که کردم با جان و دل پذیرفت، در همان حال نیز درباره‌ی طعم و مزه، روش آماده کردن و... هم صحبت شدیم. (این ششمین گام ارتباط بود، گفتگو درباره‌ی چیزهای خوشایند و جذاب.)

۷

چون سر صحبت باز شده بود و شناخت کلی از روحیاتش پیدا کردم با همان سبک

۶

یکی دو ساعت که گذشت، سر جایش برگشت، سوژه را می‌گویم، همین‌که

طرح موضوعات غیرمنتظره است که البته خوشایند مخاطب باشد.



خوشبختانه سر بحث باز شد او گلابه می‌کرد من هم تا حدودی تأیید.

بعد از نیم ساعت گفتگوی صمیمی از او خواستم تا ادامه‌ی صحبت را برای زمان دیگر بگذارد، چون محتوای گفتگو جذاب بود، مشتاقانه پذیرفت. (اینکه گفتگو را در لحظه‌ی حساس و جذاب قطع کردم هشتمین قدم بود) چون قرار نبود تمام حرف‌ها در یک گفتگو پایان پذیرد، لذا به قطع اجباری صحبت تن دادم تا انگیزه‌ای برای بعد باقی بماند. پس از قطع شدن صحبت‌ها، باگوشی خود تماسی گرفتم و مشغول صحبت شدم.

ادامه دارد...

صبحت کردنش اسمش را پرسیدم، اینکه اهل کجاست و در چه رشته‌ای درس می‌خواند، همه را که جواب داد باید با یه سؤال غیرمنتظره سر بحث اصلی را باز می‌کردم، سؤال باید طوری می‌بود که هم برای او تعجب‌آور باشد و هم سر بحث و درد دل را باز می‌کرد. با یک لحن نسبتاً تند اما صمیمی پرسیدم: «بیکار بودی که این رشته را انتخاب کردی، فکر نکردی بعد چند سال درس خواندن توی این شرایط مملکت، قرار است چه کاری را پیدا کنی؟ قرار است ثمره‌ی این درس خواندن چه چیزی باشد؟!»

واقعاً می‌شد جای تعجب و ابهام را در چهره‌اش مشاهده کرد، چون از تیپ ما مذهبی‌ها، توقع سخن این شکلی را نداشت، اما این را هم خبر نداشت که این یک روش است (یعنی هفتمین قدم در ارتباط‌گیری موفق، پرسیدن سؤال و



قَضَلِ اللهُ الْجَائِدِينَ عَلَى الْمَاعِيَةِ الْجَرَاتِيمَا

زن، زندگی، آزادی

صیورا حسینی

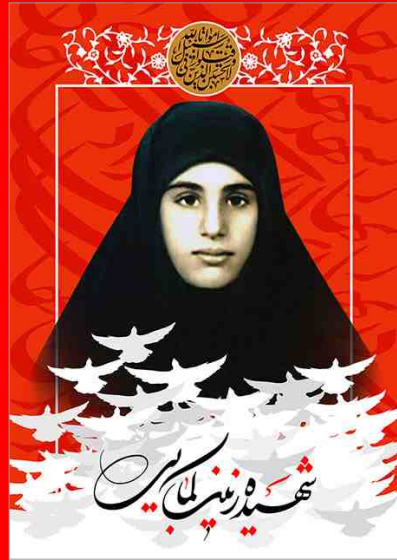
کارشناس ارشد شیعه شناسی

است که بعد از يك تغيير ایدئولوژیک اساسی تقریباً از سال ۱۳۴۸ کار خود را در خانه های تیمی با حضور زنان آغاز کرد. زنانی که آمده بودند تا صرفاً پوششی برای خانه های تیمی باشند. منافقین از يك سو باظلم در حق زنان سرزمین ایران برای خود کارنامه سیاهی رقم زدند و از سوی دیگر با جنایاتی که در حق زنان تشکیلات خود انجام دادند تجربه هایی را در تاریخ ثبت کردند که در هیچ تشکیلات و سازمان انقلابی سابقه نداشته است.

شعارهایشان همه شهر را پر کرده بود، در دیوار شهر پر بود از صداهایی به اسم دموکراسی برای زنان خسته از قانون های بدون حمایت از حقوقشان، دخترکان دبیرستانی مجذوب حرف هایشان شده بودند، مجذوب صحبت از بهشتی که در فکر و خیال برای رهایی از زندگی جهنمی شان ساخته بودند، مجذوب آزادی هایی که برای دخترکان دربند رژیم پهلوی سرمی دادند. سازمان مجاهدین خلق نام تشکیلاتی

باشد. این مادر شهید می‌گوید: «سال ۱۳۶۰ در شاهین شهر یک راهپیمایی علیه بی‌حجاب‌ها راه افتاد که زینب مسئول جمع‌آوری بچه‌های مدرسه برای شرکت در راهپیمایی شد. منافقین از همان جا او را تحت نظر گرفتند. اسفندماه بود و زینب از صبح پایه‌پای من مشغول تمیز کردن و کارهای نظافت عید بود. وقت نماز مغرب از من خواست که بگذارم روز آخر سال برای خواندن نماز مغرب و عشا به مسجد بروم. چه کسی می‌دانست آن لحظه آخرین لحظه دیدار من و زینب است. رفت و دو روز بعد پیکرش را پیدا کردیم. گویا وقتی از مسجد برمی‌گشت، منافقین او را ربوده و بعد با چادرش خفه‌اش کرد بودند و به شهادت رساندند.»

شهادت زینب کمایی تنها بخشی از جنایات منافقین علیه مردم ایران بود و ترورهای آن‌ها بعد از انقلاب منجر به شهادت تعداد زیادی از زنان و کودکان شد.

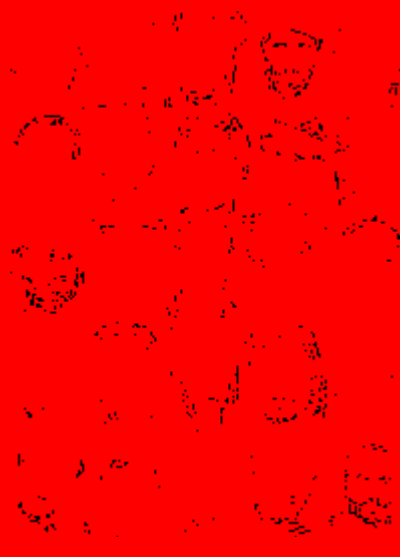


قاتلین دختر ۱۴ ساله و شعار آزادی دختران

شهیده زینب (میترا) کمایی نام دختر ۱۴ ساله ای است که بعد از خراب شدن خانه‌هایشان در شهر آبادان به اصفهان می‌آیند. اما منافقین کوردل تمام تعصبات خود را بر سر چادر دختر ۱۴ ساله‌ای ریختند که حتی حاضر نشده بود برای لحظه‌ای چادر از سر خویش بردارد.

شهادتش، اما روایتی است که شنیدنش از زبان مادر شاید به سختی جان‌کنندش

به گزارش گروه وب‌گردی خبرگزاری صدا و سیما، بعد از انقلاب ۳۵ گروهک تروریستی در کشور فعالیت داشتند که منجر به شهادت رساندن بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم بی‌گناه کشورمان شدند. شاخص‌ترین این تروریست‌ها سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بودند.^۱



زنان، پوششی برای حفظ جان مردان

تقریباً تا سال ۱۳۴۸ هیچ اثری از حضور زنان در بین مبارزین سازمان مجاهدین

خلق نبود و این چریک‌های فدایی خلق که دارای عقاید چپ مارکسیستی بودند؛ یک سیستم کاملاً مردانه داشتند. آن‌ها اعتقاد داشتند که زن اصلاً نمی‌تواند در جریان مبارزات باشد. تا اینکه «ساواک» طرحی برای مقابله با اقدامات مجاهدین خلق تهیه کرد. در این طرح به همه املاکی‌های شهر دستور داده شد تا هر خانه‌ای به مرد مجرد اجاره می‌دهند، اطلاعات آن را در اختیار ساواک قرار بدهند. با این شرایط نیروهای مجاهدین خلق دیگر نمی‌توانستند خانه تیمی اجاره کنند. اینجا بود که پای خانم‌ها هم به این گروه باز شد تا در زمانی که ساواک هنوز به زن‌ها حساسیت نداشت، از آن‌ها به عنوان نیروی پوششی استفاده کنند. اما با گذشت زمان و حضور زنان در خانه‌هایی با حضور چند مرد، کم‌کم زنان نیز مجبور به آموزش دوره‌هایی برای مبارزه مسلحانه شدند و از سوی دیگر شاید برای راحت شدن روابط، خانواده‌های بسیاری از

نرسیده‌اند. پس سازمان، زنان را در رأس نشاند و مردان را زیر دست کرد. در آن زمان یک باره تمام فرماندهان منافقین از بین زنان انتخاب شدند. در واقع این یک استراتژی برای بقا بود و سازمان در این زمان هم داشت از زنان سوءاستفاده می‌کرد تا وجهه خودش را ترمیم کند.

اما بعد از عملیات مرصاد بود که با کشته و زخمی شدن عده‌ی بسیاری از مردان و زنان سازمان، نیروها با حالی خراب و شکست خورده به پادگان اشرف برگشتند. در همین روزها بود که در مقر منافقین در فرانسه اتفاق عجیبی افتاد. دفتردار «مسعود رجوی» یعنی «مریم قجر عضدانلو» به دستور رجوی از همسرش مهدی ابریشمچی جدا می‌شود و منهای رعایت مسائل شرعی به همسری مسعود رجوی درآید.

آری! بعد از استفاده از زنان به‌عنوان پوشش خانه‌های تیمی در دوران فعالیت

هم پاشید و ازدواج‌های تشکیلاتی صورت گرفت که آهسته‌آهسته روند فعالیت‌های سازمان را تغییر داد.



پادگان اشرف

بعد از آغاز جنگ تحمیلی، سازمان تمامی اعضای خود را به عراق دعوت می‌کند. دختر و پسر جوان فریب خورده هرطور شده خود را به پادگانی می‌رسانند که حال به اسم يك زن نام‌گذاری شده بود. آری استفاده تبلیغاتی از زن دوباره آغاز شد. مقرها و پایگاه‌های کوچک دیگر هم به اسم زنان کشته‌شده‌ی سازمان، نام‌گذاری می‌شد. علت این نام‌گذاری‌ها این‌طور بیان می‌شد که زنان در طول تاریخ، توسط مردان مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند و زنان هیچ‌وقت در هیچ نظام و دستگاهی به حق واقعی‌شان

که او چگونه از همسرش جدا شده و با سازمان پگانه شده است.^۳ این ایدئولوژی جدید سازمان، زنانگی و مادرانگی بسیاری از نیروها را از آن‌ها گرفت و این بزرگترین ظلمی بود که می‌توان در حق زنان کرد. زنان را به طلاق اجباری کشاندند و از سوی دیگر اجازه ندادند هیچ دختری در آن جا بآبرو برماند.

بتول سلطانی از جمله زنانی است که پس از بارها تلاش در نهایت موفق شد که از پادگان اشرف رها شود. سلطانی از زنان عضو شورای رهبری این سازمان بود. سلطانی در توضیح ایدئولوژی سازمان منافقین برای اعضای زن از کلید واژه «قله آرمانی» استفاده کرد و در توضیح این ایدئولوژی عنوان کرده بود که این قله برای

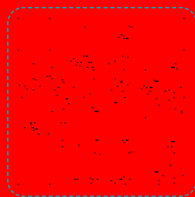


این کار دومین سنگ بنا و سرآغاز تغییر ایدئولوژیک مجاهدین خلق بود. بعد از بازگشت از عملیات مرصاد، رجوی همه‌ی نیروها را جمع کرد تا جایی که منافقین اسیر شده در پادگان اشرف می‌گویند حتی بعضی افراد را از بیمارستان‌ها و با ویلچر و برانکارد به پادگان آوردند. مسعود در سخنرانی‌اش ادعا می‌کند که علت شکست در عملیات، کمبود نیرو و تجهیزات نیست. مسعود اعلام می‌دارد که ما در این عملیات شکست خوردیم؛ چون فکر شما درگیر زن و بچه بود و از این جا به بعد باید این مسئله پایان یابد و تمام شما باید تمام و کمال در اختیار مجموعه باشید. او مریم را مثال می‌زند و با سوء استفاده تبلیغاتی از او می‌گوید: ببینید



نفرات اولی است که از او در سازمان سوءاستفاده شد. به گفته خودش در بعضی مصاحبه‌هایی که انجام داده او عروسک خیمه‌شب‌بازی مسعود رجوی بود. در واقع سازمان منافقین یک عملیات تروریستی را علیه زنانی که سرباز، خودشان بودند انجام داد و زنان سازمان، قربانیان تروریسم این سازمان شدند.

برای کسب اطلاعات بیشتر به خوانندگان عزیز توصیه می‌کنیم بخشی از اعترافات زنان بازداشت شده پادگان اشرف را در این نشانی زیر مطالعه نمایند.



<https://b2n.ir/y/72697>



پی‌نوشت

۱. خبرگزاری جوان آنلاین؛ <https://b2n.ir/d/44143>
۲. خبرگزاری صدا و سیما؛ <https://b2n.ir/k32311>
۳. خبرگزاری فارس؛ <https://b2n.ir/y/72697>
۴. همان.

زنان با پذیرش به عقیم شدن (جراحی رحم) ثابت می‌شود تا زنان این سازمان کاملاً در حصار این فرقه باشند و به نامیدی کامل برسند. این اقدام توسط پزشک قرارگاه اشرف با نام «نفیسه بادامچی» و زیر نظر مریم رجوی و با سرپرستی «کبری طهماسبی» و «زهرا بنی‌جمال» صورت می‌گرفت. بنا به گفته بتول سلطانی پس از فرار از اشرف؛ ۱۵۰ زن تا زمان حضور او عقیم سازی شده بودند. تراژدی بودن این امر حتی از روایت‌های منتشر شده از تجاوز مسعود رجوی به زنان و دختران باکره سازمان نیز تلخ‌تر است و سران گروهک تروریستی منافقین خلق دقیقاً زنانگی را از زنان این فرقه سلب می‌کردند.^۴

آری! حدود پنجاه سال زندگی زنان عضو سازمان مجاهدین خلق در زندگی سازمانی خلاصه شد. آن‌ها حالا پیرزن‌های هفتادساله‌ای هستند که هیچ خانواده و بچه‌ای ندارند. خود مریم رجوی جزء

اللهم عجل لوليت الفرج

دل کمند زلفت

(دلنوشته‌ای برای میلاد امام زمان (عجل الله فرجه))

منصوره مودب - دانش آموخته سطح ۲ جامعه الزهراء (ع)

آن‌گاه که شعبان به نیمه می‌رسد، عالم به احترام تو ای قائم آل محمد قیام می‌کند و ماه از شوق آمدنت تمام چهره بر بلندای آسمان نور افشانی می‌کند و ستاره‌ها شادمانه هل‌هله می‌کنند و چه زیبا با تولدت عشق کامل می‌شود آن زمان که ماه به نیمه می‌رسد.

ابن‌مصطفی! تو آن حلقه موعود؛ تو آن طلایه‌دار عشقی که سلسله امامت با تو کمال می‌یابد.

آن‌گاه که نور وجوت در عالم ساطع گشت؛

حیات در شریان خسته هستی قوت تازه‌ای

یافت و دنیا از نفس‌های بهاریت جوان

شد؛ نسیم، عطر دل‌انگیز آمدنت را در

سراسر گیتی به دوش کشید تا در آن

فضای آکنده از محنت و حیرت، امید



و شیرینی میوه ممنوعه گناه، کام دلمان را فریفته است و از خنکای دروغین تن‌آسایی، غرق در لذتیم.

ببخش ما را که شب‌هایمان همه به خواب می‌گذرد و دریغ از یک شب به‌گریه سحر کردن.

ببخش ما را که از منتظر بودن، دلمان را تنها به خواندن دعای فرج خوش کرده‌ایم و چه سهل از یاد برده‌ایم که منتظر مصلح باید هر صبح محکم‌تر و بصیرتر پا در صراط اصلاح نفس بگذارد و اعمالش را پیوسته با ال‌ک اخلاص ببیزد. و آنگاه که دعای عهد را بر لب زمزمه می‌کند شراره‌های فراق، قلبش را گداخته کند و با سیل اشک عهدی را که برگردن دارد.^۳ هر صبح تجدید امضا کند.

یا ایها العزیز! «مَسْنَا وَأَهْلَنَا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا»^۴ تفسیر دست خالی و دل سوخته ماست.

در قلوب مومنان دوباره جوانه زد و زمین در آرزوی روزی که عدالت سراسرش را فرا گیرد لحظه شماریش آغاز شد. آری عدالت؛ همان گمشده‌ای که در تندبادهای روزگار به دست فراموشی سپرده شده بود.

ای آخرین ذخیره‌ی خدا! در دورانی دیده مهربانت را به جهان گشودی که بر دیوارهای محله نظامی عسکر جز ترس و واهمه، نقشی جلوه‌گر نبود.

ای وعده صادق! تولد تو مصداق حیرت‌آوری است برای تفسیر «وَمَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» آری در آن برهه حساس و سراسر فشار و اختناق مکر خدا بر مکر دشمنان خدا غالب گشت و تو زاده شدی تا مفسر «بُرِيدُونَ لِيُظْفَئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۲ باشی.

غریب آل احمد! ببخش ما را که در سایه‌سار درخت غفلت عزلت‌گزیده‌ایم



استغاثه‌هایت برای ما مغفرت و هدایت طلب نموده‌ای. عزیز زهرا علیها السلام! بی‌شک اشک‌های تبار تو در امتداد اشک‌های جدّ مظلومت **علی علیه السلام** است.

غربت تو از غربت **علی علیه السلام** خط می‌گیرد. اگر غدیر سندی برای مظلومیت **علی علیه السلام** نمی‌شد اکنون تقدیر، این غربت جانکاه را رقم نمی‌زد.

به راستی ما در زمره کدامین دسته از منتظرانیم؟ آنان که منتظر فرزند تا فرجی در رزق و روزیشان حاصل شود؛ آنان که آمدن منجی را برای عمارت دنیایشان آرزو می‌کنند و وجودشان جز سیاهی لشکر اثری ندارد، یا آن دسته از منتظران که حضور سبز مولایشان در تمامی نفس‌هایشان موج می‌زند؛ همان عاشقانی که دل‌هایشان چونان پاره‌های آهن محکم است؛ همان بلند همتانی که صدای زمزمه مناجات شبانه‌شان گوش هستی را نوازش می‌دهد و روزهایشان با

یوسف گم‌گشته! بر ما ببخش که تو را در چاه فراموشی رها کرده ایم بر ما ببخش که بضاعت دل‌مان اندک است و متاع صبر و ایمانمان ناقص.



«الطَّلَعَةُ الرَّشِيدَةُ»! کاش هر صبح که خورشید به شوق دیدار تو طلوع می‌کند از طلیعه سپیده دم خبر بگیریم از مولای غریب و تن‌هایمان **مهدی علیه السلام** چه خبر؟ از او بپرسیم؛ یوسف فاطمه علیها السلام برای فرج ما، شب را کجا با ناله‌های «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ» به صبح رسانده است؟

یا ابن الحسن علیه السلام! راستی که مضطر و منتظر حقیقی تویی که ۱۲ قرن است غرببانه به انتظار ما وقت و بی‌وقت برای غیبت ما اشک ریخته‌ای و در

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ قَتَلُوهُ
عَظْمَانًا؛ به یاد آرید ای اهل عالم که جد من
حسین علیه السلام راتشنه کام کشتند.

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ طَرَحُوهُ
عُرْيَانًا؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من
حسین علیه السلام را برهنه روی خاک افکندند.

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّيَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ سَخَقُوهُ عُذْوَانًا؛
بشنوید ای جهانیان که جد من حسین علیه السلام

را از روی کینه توزی پایمال کردند». ۷
و تو ای «تَالِي كِتَابِ اللَّهِ»! ظهور می کنی تا در
سایه حکومت جهانی مهرگسترت تمام
خوبی ها و فضایل مجال ظهور یابند.

روزه عجین است و تو را تنها برای خودت
و برای آبادی عمارت ایمانشان با تمام
وجود طلب می کنند.

وه! چه با شکوه است! آن گاه که شب
ظلمانی غیبت به صبح نورانی ظهور بدل
می شود و تو در حالی که میراث دار رسول
خدا صلی الله علیه و آله هستی و کعبه را محل اتکای خود
قرار داده ای؛ ندا می دهی:

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ؛ آگاه باشید ای
جهانیان منم امام قائم.

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمْصَامُ الْمُتَّقِمُ؛ بنگرید ای
اهل عالم منم شمشیر انتقام گیرنده.



اگر دوران او را درک می‌کردم، همه‌ی زندگی ما را در خدمت به او می‌گذراندم» و خدا کند ما نیز از شتاب‌کنندگان به سویت در برآوردن خواسته‌هایت و اطاعت‌کننده اوامرت و مدافع حریمت باشیم^۱ و اگر قاصدمرگ بین ما و شما جدایی انداخت؛ لایق باشیم کفن پوش سر از قبر برآوریم و در حالی که شمشیر از نیام کشیده‌ایم دعوتت را اجابت کنیم.^۲ و جان کلام؛ آن چنان دل‌مان به کمند زلفت گره خورده که سر دادن در راهت تمام آلمان شده.



پی‌نوشت

۱. آل عمران/۵۴.
۲. صف/۸.
۳. دعای عهد.
۴. یوسف/۸۸.
۵. دعای عهد.
۶. نمل/۶۲.
۷. إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب للشيخ، علی بن زین العابدین یزیدی حائری، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ ق. ج ۱، ص ۱۴۲.
۸. زیارت آل یاسین.
۹. علامه مجلسی، ط بیروت، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
۱۰. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.
۱۱. دعای عهد.
۱۲. همان.

می‌آیی تا پرستوی ایمان مرزهای نماد و نژاد را در نوردد و در دل‌های حق‌پذیرآشپان‌گزیند. می‌آیی تا رودخروشان عدل، بر بسترتشنه‌ی زمین جاری شود و باتلاق ظلم و ستم به دریای روشن عدالت مبدل گردد و چشمه زلال دانایی و فرزنگی در کویر تفتیده‌ی جهل و نادانی جوشش بگیرد و همای عقل در آسمان معنویت بالنده شود و اوج بگیرد. می‌آیی تا آسمان دست و دلباز شود و سخاوتمندانه بر اهل زمین ببارد و زمین بی‌دریغ ثمر دهد و گنج‌هایش را آشکار کند.^۹ و عزیز زهرا علیها السلام؛ می‌آیی تا در سایه دولت کریمه‌ات، مدینه فاضله تشکیل شود و کارگزاران صالح بر کرسی خدمت تکیه‌زنند و گره‌گشایی از کار خلق را برای خود بالاترین افتخار بدانند و فقر از قاموس معیشت خلق رخت ببرند.

کاش خدمت در رکابت روزیمان شود. به تأسی از شیخ الاثمه؛ صادق آل احمد علیهم السلام که فرمود: «وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَحَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»^{۱۰}

خاطرات تبلیغی ۴

(مجتمع مسکونی ما)

فاطمه قمری - دانش‌آموخته سطح ۳ مطالعات اسلامی زنان جامعه الزهراء علیه السلام

دنبال موقعیت مناسب

برخی خانواده طلبه‌ها در خانه نشسته‌اند و اهمیت زیادی به تبلیغ نمی‌دهند. الآن فضای مجازی خیلی وضعیت بدی را برای جوانان ما پیش آورده است و نیاز به تبلیغ همسران طلاب و مبلغان حتی بین همسایه‌ها هم وجود دارد.

حتی توی حیاط مجتمع مسکونی خود بهترین مکان برای تبلیغ است. ما در مسکن مهر ساکن هستیم. با اینکه دوستان همه در مجتمع طلبگی هستند و می‌گویند شما هم بیاید اینجا پیش ما، من می‌گویم: «نه. چرا بیایم؟!»

یکی از خطاهای ما این است که طلبه‌ها همه در یک مجتمع مسکونی زندگی می‌کنند؛ طلبه و خانواده‌اش باید بین مردم باشد. برای من پیش آمده است که حضور یک طلبه با خانواده خود در

ساعت یک و نیم شب بود، یکی زنگ واحد ما را زد، درب را باز کردم، خانوم یکی از همسایه‌های مجتمع بود که به نظرم یا از خانه فرار کرده یا شوهرش او را انداخته بود بیرون؛ به جای این که به

خیابان برود یا اسیر و اجیر این و آن شود و هزار اتفاق برایش بیفتد به ما پناه آورده بود؛ پس از اینکه حرف‌هایش را شنیدم و آرام شد، با همسر رفتیم با شوهرش صحبت کردیم تا مشکل حل شود.

اثرگذار باشد. یعنی یک نفری که با حیا باقی بماند و برای دین و مظاهر دینی حرمت قائل شود؛ خودش خیلی ارزشمند است.

مقدمات خط مقدم!

البته برای کار جهادی فرهنگی و تبلیغ همسران مبلغ، در محل زندگی به مقدماتی نیاز هست. اول اینکه بعد از سال‌ها واقعاً به نتیجه رسیدم و برای خودم هم پیش آمده؛ هر جا که فکر کردم این منم که حرف می‌زنم؛ این منم که دارم کار می‌کنم خدا به من فهمانده که در واقع علت همه اینها اوست. خداوند حواسش به ما هست و نکته اینجاست که در کار تبلیغ اولین کسی که تربیت می‌شود خود مبلغ است.

یک محله، خودش یک تبلیغ است. اینها نمونه تبلیغی است. مثلاً در همسایگی ما خانمی هست که میل دارد حجابش را کنار بگذارد، به تازگی ماشین مدل بالایی هم خریده و متوجه شدم که همسرش هم او را به بی تفاوتی نسبت به حجاب تشویق می‌کند؛ اما با اینکه یک ماه یا دو ماه یکبار همدیگر را می‌بینیم و سلام و علیکی می‌کنیم به خاطر حیا و خجالتی که از ما دارد، حجاب خود را حفظ کرده است. یک بار خودش به من گفت: «خانم رضایی! من اینقدر برای شما احترام قائل هستم که همسرم به من گفته اینقدر که از خانم رضایی می‌ترسی، اگر از خدا می‌ترسیدی چه می‌شد؟!» مثلاً اینجوری با من شوخی می‌کند. بعد گفت: «فقط به خاطر اینکه شما توی این مجتمع هستید من حیا می‌کنم و چادرم را بر نمی‌دارم.» ببینید حضور یک طلبه در یک مجتمع مسکونی می‌تواند اینقدر

من بچه‌هایم را به شما سپردم. مگر می‌شود شما بسپرید به بهترین مربی و بچه‌هایتان بد تربیت شوند؟!»

واقعا کار تبلیغ همین است. نمی‌شود که شما کار را بسپارید دست آنها و کمک‌تان نکنند؟! رویکرد یک خانواده مبلغ باید این باشد؛ کسی که در مسیر خدا قدم بر می‌دارد، نترسد چرا که عنایت **اهل بیت** علیهم‌السلام همراه خانواده و همسرش هست. اوایل اندکی افت و خیز دارد، از شکست نترسد.

مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

برای یک خانواده‌ی مبلغ اهل مطالعه بودن خیلی مهم است. مسلط بودن به مبانی اصیل دینی. این که شما وصل به سخنران‌هایی باشید که از آنها محتوا بگیرید و همان را استفاده کنید خوب است؛ اما لازم است خودمان هم یک سیر مطالعاتی داشته باشیم؛ این که یک مبلغی باشیم که یک نظام فکری دارد، این باعث می‌شود

یک حرف و هزار نکته

در دوره‌ای که توفیق شاگردی حضرت آیت‌الله حائری شیرازی رحمته‌الله را داشتم، عروسش می‌گفت:

«من از پدرشوهرم پرسیدم که ما یک وقتی را می‌گذاریم می‌روییم بیرون برای کار تبلیغ، بچه‌های ما چه می‌شوند؟ ایشان فرمودند:

«نگران نباش، حضرت زهرا علیها‌السلام متکفل تربیت بچه‌های شما می‌شود.» مخصوصاً برای کاری مثل کار حلقات صالحین و ... گفتند: «مادری که احساس می‌کند ضرورت دارد که برای کاری برای خدا بیرون برود، برای انقلاب، برای اسلام؛ به حضرت زهرا علیها‌السلام بگوید:

ایشان می‌تواند و ما نمی‌توانیم؟! علت این است که در ذهن ایشان یک ساختار و ساز و کار درست شده، یک مبنا که هر موضوعی را به ایشان بدهید، طبق آن فورا مطالبش را چیده و ارائه می‌دهد. بنابراین ما به عنوان یک مبلغ یا خانواده ایشان، هر چقدر هم که در کپی برداری از مطالب دیگران موفق باشیم؛ اگر خودمان یک نظام فکری داشته باشیم می‌توانیم گفتمان‌سازی کنیم و مبلغ گفتمان ولایت و گفتمان اصیل انقلابی باشیم، دقیقاً مانند کتب شهید مطهری رحمة الله علیه و منظومه‌ی فکری رهبر عزیز انقلاب حفظه.

هر زمان هر موضوعی به ما بگویند، می‌توانیم سریع محتوا تولید کنیم. همیشه قرار نیست و نمی‌شود از یک هفته قبل به ما بگویند که فلان زمان امکان تبلیغ و صحبت برای شما محیا خواهد شد!

یک بار نیز آیت‌الله حائری شیرازی رحمة الله علیه را برای دوره‌ای دعوت کردیم. مسئول دوره به ما گفتند: «شما پشت در و لحظه‌ی ورود به ایشان بگویید موضوع این جلسه چیست!» حاضرین در مجلس هم حدود ۳۰ نفر از خواص کل کشور که همه هم راضی از جلسه رفتند. در صورتی که موضوع را پشت در به ایشان گفتند ولی اگر ما باشیم حتماً باید یک هفته قبل بگویند تا آماده شویم. البته آمادگی لازم است ولی چرا

چی بخونیم؟

در پایان کتابی معرفی می‌کنم که به درد مبلغان می‌خورد. یک کتاب از فرمایشات شهید مطهری رحمته الله علیه به نام «تبلیغ و مبلغ از نظر شهید مطهری رحمته الله علیه» که مبلغان دین را با مسئله ضروری «دغدغه‌های فرهنگی» آشنا کرده و این امر بسیار کمک کننده است. از آن جا که ما خانواده مبلغان کم و بیش در اجتماع مورد سوال قرار می‌گیریم، مطالعه کتب تاریخی، مثل تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و تسلط بر مسائل سیاسی روز هم از امور لازم برای ماست.

پی‌نوشت

۱. تجربه تبلیغی سرکار خانم رضایی؛ استادیار جامعه زنان استان قم، مدرس کتب شهید مطهری رحمته الله علیه و منظومه‌ی فکری امام خامنه‌ای رحمته الله علیه.

«شما نیز می‌توانید تجربه‌ها و خاطرات تبلیغی خود را با ما در میان بگذارید.»

می تونی بگی؟



با مطالعه محتوای ماهنامه، پاسخ سؤالات مطرح شده را به صورت یک عدد ۵ رقمی بطور مثال (۱۴۳۱۲- شماره ۱) به همراه نام خانوادگی، به آیدی @esfahani_ess ارسال بفرمایید.
به افرادی که پاسخ صحیح داده باشند، هدایایی به قید قرعه اهداء خواهد شد.

۱ اصلی ترین چالش در خانواده های تک فرزند کدام است؟

- ۱ نادیده گرفته شدن قوانین خانه
- ۲ نیاز کودک به سرگرمی
- ۳ درون گرایی کودک
- ۴ پرخاشگری کودک

۲ در کدام آیات بر (لزوم پوشش زنان و آشکار نکردن زینت و آرایش در نزد نامحرمان) تأکید شده است؟

- ۱ آیات ۵۹ و ۶۰ سوره احزاب
- ۲ آیات ۵۵ و ۵۶ سوره احزاب
- ۳ آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور
- ۴ آیات ۵۶ و ۶۰ احزاب

۳ کدام مورد موجب سم زدایی بدن در هوای آلوده نمی شود؟

- ۱ خوابیدن زود هنگام در شب
- ۲ جوشاندن آب و سرکه در منزل
- ۳ پرهیز از غذاهای چرب و دیر هضم
- ۴ بوییدن عطرهاى تند

۴ زن و مرد در آرامش گرفتن چگونه اند؟

- ۱ مردان با حرف زدن و زنان با سکوت کردن
- ۲ مردان با سکوت کردن و زنان با حرف زدن
- ۳ هر دو با سکوت کردن
- ۴ هر دو با حرف زدن

۵ دور ریختن باقی مانده غذای افراد چه حکمی دارد؟

- ۱ مطلقاً جایز نیست
- ۲ اشکالی ندارد
- ۳ در صورتی که بتوان از آن استفاده کرد (مثلاً حتی به عنوان غذای پرندگان) جایز نیست
- ۴ تشخیص با خود مکلف است

◆ برنده مسابقه شماره ۳ ماهنامه:

سرکار خانم: سمیه رضانی علوی- از شهرستان کاشان

برگزیده آثار رسالی از مخاطبین

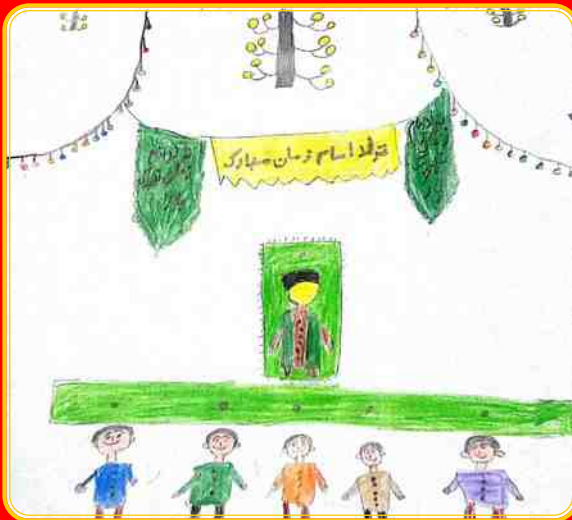
به مناسبت نیمه شعبان، میلاد حضرت مهدی (عج)



● حانیه سادات ماشینی فخر

۸ ساله از اهواز

با موضوع «دعاهای من»



● علی پشهری

۸ ساله از کرمان



پذیرش حوزه‌های علمی برادران

جهت کسب اطلاعات بیشتر و یا ثبت نام به پایگاه اطلاع رسانی
سنجش و پذیرش حوزه‌های علمی (Paziresh.ismc.ir)
یا مدیریت‌های استانی و مدارس علمیه سراسر کشور
مراجعه فرمایید.



Paziresh.ismc.ir

